فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی‌شهری، سال دوازده، شماره ۳، پیاپی ۳۵، زمستان ۱۴۰۴

نقش تمرکززدایی از شهر یزد در توسعه متعادل منطقه‌ای استان یزد

حسن حکمت نیا[۱]

استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریز شهری، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

تاریخ دریافت: -/-/۱۴۰۰ **تاریخ پذیرش:**-/-/ ۱۴۰۰

The Role of Decentralization from the City of Yazd in the Balanced Regional Development of Yazd Province

Hassan Hekmatnia*[1]

Professor, Development of Geography and Urban Planner, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Received: 2021/-/- **Accepted:** 2022/-/-

چکیده

هدف از این پژوهش نقش تمرکززدایی از شهر یزد در توسعه متعادل منطقه‌ای استان است. این مقاله از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی- تحلیلی است. برای بررسی و تحلیل یافته‌ها از Spss، تاپسیس، مرتبه- اندازه، ضریب مکانی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که تمرکززدایی از شهر یزد می‌تواند نقش مهمی در توسعه متعادل منطقه‌ای استان یزد ایفا کند. شهر یزد به‌عنوان مرکز استانی و شهری بزرگ، جذابیت‌های بسیاری ازجمله زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، مراکز خدماتی و مؤسسات اداری را در خود جای داده است. اما این تمرکز بیش از حد می‌تواند منجر به نابرابری‌های منطقه‌ای، کاهش فرصت‌های اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی در سایر مناطق استان و افزایش فشارها و مشکلات شهری شود. این امر باعث تمرکز منابع و امکانات در شهر یزد و کاهش منابع در سایر شهرهای استان شده است. درصد جمعیت شهرنشین استان در دوره‌های زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ به ترتیب به ۶۶، ۷۶، ۸۴ و ۸۲٫۶ درصد افزایش یافته است. این نشان می‌دهد که در طول این دوره‌های زمانی، تعداد ساکنان شهری در استان رو به افزایش بوده است. در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که توسعه شهرها در استان یزد به صورت ناهمگون است و تدابیر متناسب با وضعیت هر شهر و منطقه برای جلوگیری از کاهش جمعیت روستا و مهاجرت و همچنین تقویت توسعه شهرها و شاخص‌های مرتبط با آن‌ها، ضروری است.

واژگان کلیدی

توسعه، تعادل منطقه‌ای، تمرکززدایی، جمعیت، استان یزد.

Abstract

The objective of this research is to examine the role of decentralization from the city of Yazd in the balanced regional development of Yazd province. This study is applied in terms of its objective and descriptive-analytical in terms of its methodology. SPSS, TOPSIS, Rank-Size, and Moran's coefficient were used for data analysis. The results indicate that decentralization from the city of Yazd can play a significant role in the balanced regional development of Yazd province. As the provincial and major city, Yazd has attracted various advantages including economic, cultural, and social infrastructure, service centers, and administrative institutions. However, this concentration can lead to regional disparities, reduced employment opportunities and economic activities in other areas of the province, and increased urban pressures and problems. This has resulted in the concentration of resources and facilities in Yazd city while diminishing resources in other cities of the province. The urban population percentage of the province has increased from 66% in 1986 to 76%, 84%, and 82.6% in the years 1996, 2006, and 2016, respectively. This indicates a growing urban population in the province over these time periods. Overall, the results demonstrate that the development of cities in Yazd province is uneven, and tailored measures are necessary to prevent rural depopulation and migration, as well as to strengthen the development of cities and their associated indicators based on the specific conditions of each city and region.

Keywords

Development, regional balance, decentralization, population, Yazd province.

[۱] نویسنده مسئول: دکتر حسن حکمت نیا

Email: ehsanhekmatnia@gmail.com

Corresponding Author: hasan Hekmatnia*

مقدمه

شهرنشینی به‌عنوان بارزترین نحوۀ تکامل جوامع انسانی در جهان شناخته می‌شود. اما با ظهور انقلاب صنعتی و گسترش بی‌رویه شهرها، تمرکز شدید در یک یا چند شهر و عدم توازن در نظام سلسله‌مراتبی شهری در اکثر کشورها به وجود آمده است. این عدم توازن و تمرکز شهری، پدیده «نخست شهری» را در سیستم‌های شهری ایجاد می‌کند. برای حل این مشکل، سیاست‌های توسعه شهرهای کوچک و میانه اندام به‌منظور ایجاد تعادل در توزیع جمعیت و توسعه متوازن مناطق اعمال می‌شود. توسعه این شهرها به دلیل اهمیت آن‌ها در توزیع منصفانه جمعیت و منابع، کاهش مشکلات شهرهای بزرگ و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، مورد توجه قرار گرفته است (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۰) نابرابری‌های منطقه‌ای از مسائل عمده و نگران‌کننده در بیشتر بخش‌های جهان است. عدم تعادل فضایی توسعه منطقه‌ای موضوعی است که توجه قابل‌توجهی را هم از سوی دولت‌ها و هم از سوی محققین به خود جلب کرده است، زیرا توسعه نابرابر مانعی در دست‌یابی به توسعه پایدار منطقه‌ای است (Zhang ea al, Kalogiannidis et al, 2023). از این‌رو؛ برای سیاست‌گذاران کاهش نابرابری منطقه‌ای بخشی از هدف اجتماعی برای کاهش نابرابری، به‌طور عمومی و نابرابری بین افراد، به‌طور اخص است (Dupont, 2007: 193-194). در واقع نابرابری‌های منطقه‌ای، تداوم چالش‌های توسعه در بیشتر شهرها را نشان می‌دهد (Snankar& Snan, 2003: 1421) که تداعی‌کننده یک نوع بی‌عدالتی در توسعه شهری است (Dufaux, 2008: 3). در این راستا، یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، گذر از الگوی متمرکز توسعه منطقه‌ای است. از نقطه‌نظر جغرافیایی، توزیع قضایی عادلانه امکانات و منابع بین سکونتگاه‌های شهری و دستیکی برابر به آن‌ها مترادف با عدالت اجتماعی است زیرا عدم توزیع عادلانه منجر به ایجاد بحران‌های اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی خواهد شد (شریفی، ۱۳۸۵: ۱۶). بنابراین، موضوع توازن در توسعه منطقه ای و آرایش متعادل فعالیت ها در فضا، از اهمیت زیادی برخوردار است (ایرانی هریس و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۵).

توسعه‌ای منطقه‌ای با رویکرد الگوی شبکه‌ای منجر به پخشایش برابر فعالیت‌ها خواهد شد که این امر با بهبود سیستم‌های حمل‌ونقل درزمینه توسعه گره‌های اتصالی بین فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در سکونتگاه‌های شهری باعث نشاط اقتصادی سکونتگاه‌ها و تعادل منطقه‌ای می‌شود (Lopez, 2011: 11). در نتیجه تمرکز بر روی انتخاب بهترین روش برای مکان‌گزینی استقرار فعالیت‌ها با توجه به نیاز سکونتگاه‌های شهری منجر به تعادل بهره‌وری و تحقق عدالت اجتماعی در منطقه می‌شود (DeVerteull, 2000: 47)، زیرا نفوذ شعات بهره‌مندی از استقرار فعالیت‌ها به هسته‌های منطقه‌ای و سکونتگاه‌های پیرامونی آن‌ها بسیار ضروری است (Duflo etal, 2012: 2) به‌گونه‌ای که گذر از الگوی متمرکز به الگوی متوازن تأثیرات عظیمی بر اقتصاد، اجتماع، محیط‌زیست می‌گذارد (Anisur, 2011: 3) و زمینه‌های تعادل‌بخشی بین مناطق را فراهم می‌کند. اما، شیوه‌های ناعادلانه سیاسی، ویژگی‌های فیزیوگرافی و عقاید تعصب‌آمیز اجتماعی و فرهنگی باعث توزیع نابرابر و غیرمنطقی زیرساخت در سکونتگاه‌ها می‌شود که نهایتاً به ظهور نابرابری‌های منطقه‌ای منجر می‌شود (Paul, 2012: 173) که یکی از راهکارهای کاهش این نابرابری‌ها حرکت به سوی برنامه‌ریزی فضایی است. برنامه‌ریزی فضایی سابقه‌ای چهل‌ساله در ایران دارد که در مقیاس‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و استانی تهیه شده و از نظر محتوا، نیز، به انواع طرح‌های توسعه اقتصادی ـ اجتماعی، طرح‌های آمایش سرزمین، طرح‌های کالبدی ملی و منطقه‌ای تقسیم می‌شوند. این طرح‌ها در زمان‌های مختلف و با اهداف متفاوت تهیه شده که در بسیاری موارد با همپوشانی و تداخل مواجه بوده‌اند.

با تشکیل سازمان برنامه در ایران در سال ۱۳۲۷، مفهوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای برنامه‌های عمرانی برای اولین بار مطرح شد. این برنامه‌های عمرانی شامل مناطقی مانند خراسان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، دشت قزوین و ... بودند. به‌ویژه در برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۱–۱۳۴۶)، توجه بیشتری به برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شرایط استانی شد و در برنامه چهارم (۱۳۵۱–۱۳۴۷)، مطالعات استانی (مانند خراسان، هرمزگان و کرمانشاه) در دستور کار قرار گرفت.

در این دوره مؤسسات آمریکایی بتل[1] در اوایل دهه ۱۳۵۰ مطالعاتی را برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سراسر ایران آغاز کردند. در این مطالعات، با توجه به شرایط جغرافیایی و اقتصادی، کشور به یازده منطقه تقسیم شد. این اقدام جزء برنامه عمرانی پنجم بود که هدف آن توسعه زیرساخت‌ها در مناطق بود. در دهه ۱۳۵۰، با افزایش ناگهانی درآمد نفت و بروز عوارض رشد ناهماهنگ اقتصادی و اجتماعی در کشور و تشدید عدم تعادل منطقه‌ای، نیاز به برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌گذاری منطقه‌ای بیش از پیش مطرح شد. به همین دلیل، در سال ۱۳۵۳، با بهره‌گیری از تجربیات کشور

1. Battelle

فرانسه، «مرکز آمایش سرزمین» در سازمان برنامه تشکیل شد و تهیه نخستین «طرح آمایش سرزمین» در دستور کار قرار گرفت. این طرح به مهندسین مشاور ستیران () [1]سپرده شد که ترکیبی از شرکت فرانسوی «ست‌کو» با شرکای ایرانی بود. اجرای طرح آمایش سرزمین به دلیل وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ متوقف شد، اما نتایج و نظرات مطالعات آن تأثیر بزرگی در تداوم برنامه‌ریزی آمایشی و فضایی در ایران داشته است.

در مهر و موم‌های پس از انقلاب اسلامی اقدامات گوناگونی در زمینهٔ برنامه‌ریزی فضایی (ملی و منطقه‌ای) صورت گرفته که مهم‌ترین آن‌ها به قرار زیر است:

ـ «طرح آمایش سرزمین اسلامی» در مقیاس ملی و استانی (۱۳۶۲ تا ۱۳۸۳)؛ ـ برنامه توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (برنامهٔ اول تا پنجم)؛ ـ طرح‌های کالبدی ملی و منطقه‌ای (۱۳۷۵ تاکنون)؛ ـ سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ (۱۳۸۲)؛ ـ «ضوابط آمایش سرزمین» (۱۳۸۳ ـ مصوب هیئت‌وزیران).

با توجه به ملاحظات فوق، می‌توان طرح‌ها و اسناد کلان و فرادست مؤثر در توسعهٔ استان یزد را به سه گروه اصلی یعنی «طرح‌های کلان ملی»، «طرح‌های ملی ـ منطقه‌ای» و «طرح‌های استانی» تقسیم کرد. اگرچه همهٔ این طرح‌ها به تصویب رسمی نرسیده‌اند، اما از نظر بررسی‌های علمی و پژوهشی بسیار مفید بوده و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. به همین منظور، جهت بررسی توسعه منطقه‌ای اسناد معتبر و مرتبط با مسائل و مباحث توسعهٔ استان یزد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در استان یزد، نابرابری‌ها و تفاوت‌های فضایی به لحاظ محتوا (اجتماعی، اقتصادی و غیره) و به لحاظ شکل (توسعه کالبدی) یکی از مسائل مهم و راهبردی در توسعه منطقه‌ای است. الگوی توسعه «محور–حاشیه» در شهرهای پیرامونی کلان‌شهر یزد، باعث تمرکز شدید جمعیت و فعالیت‌ها در محور مهریز–یزد–اردکان شده است و رشد و توسعه در سایر نواحی و مناطق اطراف این محور محدود شده است. این موضوع باعث استفاده بیشتر از منابع و امکانات در این محور و نابرابری‌های منطقه‌ای می‌شود. با توجه به این تمرکز در محور مهریز ـ یزد اردکان، طرح‌های فرادست این محدوده، بر سیاست تمرکز غیرمتمرکز تأکید می‌کنند. به تبعیت از این طرح‌های فرادست، می‌باید به آماده‌سازی عرصه‌های مختلف زمین برای پذیرش فعالیت‌های جدید و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب با قابلیت هر منطقه، ایجاد سلسله‌مراتب مناسب میان مراکز سکونتی، ساماندهی استقرار جمعیت و فعالیت و راهبردهایی از این قبیل مبادرت ورزید. با توجه به ملاحظات فوق، هدف از این پژوهش بررسی الگوهای توسعه‌ای تمرکزگرا در استان و تأثیرات آن در ایجاد شکاف و نابرابری بین سکونتگاه‌ها و ارائه مدل نوین با رویکرد توسعه شبکه‌ای و متمرکز خواهد بود تا زمینه تعادل بخشی بین سکونتگاه‌های استان را فراهم کند. در این مدل به دنبال سناریوهای توسعه تعادل‌بخش با الگوی فضایی «حوزه‌های تعادل‌بخش» به‌عنوان یک نظام فضایی ـ کالبدی، اجتماعی ـ اقتصادی و برنامه‌ریزی به‌منظور دستیکی به توسعه متوازن منطقه‌ای خواهیم بود. و این پژوهش به دنبال این سؤال است که چگونه می‌توان به تمرکزدایی از یزد به توسعه و تعادل منطقه‌ای دست یافت؟

مبانی نظری

چارچوب نظری

یکی از مباحث عمده و اساسی در طراحی نظام برنامه‌ریزی جامع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسئله توازن است (غفاری فرد، ۱۳۹۸: ۲۲). توزیع مناسب و بهینه امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در میان مناطق و سکونتگاه‌ها، یکی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری از نابرابری‌ها و شکاف توسعه و توزیع فضایی مناسب جمعیت در پهنه سرزمین است (ذاکریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲). دیوید اسمیت با تأکید بر عدالت اجتماعی مفهوم کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی را بیان می‌کند، به‌گونه‌ای که این کیفیت زندگی شهری در جهت ایجاد شهر سالم و فراهم آوردن خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چهارچوب عدالت اجتماعی است (موسوی و باقری، ۱۳۹۱: ۶۹). با وجود این دیوید هاروی از جغرافی‌دانان مکتب رادیکال، نویسنده کتاب‌های ارزشمند «تبیین در جغرافیا»، «عدالت اجتماعی و شهر» و «عدالت، طبیعت و جغرافیای افتراق» به‌کارگیری عدالت اجتماعی را در تحلیل‌های جغرافیایی می‌داند (شکوئی، ۱۳۷۸: ۱۴۱). او همچنین در کتاب عدالت، طبیعت و جغرافیای نابرابری، عوامل نژادی، فضاهای زندگی، درآمد و غیره را تحت عنوان برنامه‌ریزی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد (Harvey, 1997: 7).

از یک طرف اهداف عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه، مجموعه‌ای در رابطه با ملاحظات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی است که تعیین‌کنندهٔ تصمیمات منتجه در توزیع است (Walker, 1981). این مورد یعنی ماهیت توزیع خدمات عمومی می‌تواند تنها با تعیین شرایط یک جامعه خاص قابل درک باشد

1. Scetoran

(Erkip, 1997: 354). از طرف دیگر هدف اساسی برنامه‌ریزی اجتماعی شهر، تقویت پایداری اجتماعی طبقات مختلف جامعه شهری است (Johnston, 1980: 125).

ایجاد توازن و تعادل در الگوی استقرار جمعیت و فعالیت، به سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه ملی و شهری، کانون‌های زیستی و گرایش‌های مهاجرتی بستگی دارد (ارجمندنیا، ۱۳۷۰). به نظر فریدمن، رشد اقتصادی به پیدایش یک سلسله‌مراتب پیوسته به یکدیگر و توسعه‌یافته از نظر کارکردی شهرها مربوط است. لذا ایشان برای تشویق رشد یکپارچه، سلسله‌مراتبی از شهرها را برای یکپارچه کردن پیرامون به مرکز تبلیغ مؤثر می‌داند و هم‌زمان به مراکز رشد یابنده صنعتی و ساخت مناسب شهری توجه دارد (اجلالی، ۱۳۷۱).

براساس نظریه ناپیوستگی میردال، برای تأمین عدالت اجتماعی و یکپارچگی فضایی در اقتصاد ملی باید از اثرات انتشار تدریجی رشد استفاده کرد. ایشان تقویت شهرهای متوسط که قابلیت پذیرش نقش القای توسعه به حوزه پیرامونی خود دارند را تعادل‌بخش می‌داند (علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۳). راندالی (Randall)، یکی از نظریه‌پردازان درزمینهٔ شهرهای میانی، معتقد است که معیار مناسب برای تعریف شهرهای میانی، اندازه نسبی جمعیت آن‌ها است. ایشان با استفاده از تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای بین شهرها، به نتیجه رسید که شهرهای میانی، شهرهایی هستند که در مقایسه با شهرهای بزرگ‌تر و کوچک‌تر، جمعیتی متوسط دارند. و این شهرها نقش مهمی در توازن و تعادل مناطق مختلف یک کشور یا ناحیه دارند (هادیانی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۹).

یکی از مشخصه‌های این پایداری این است که در سکونتگاه‌ها بایستی برنامه‌ریزی اجتماعی در جهت قطع دور تسلسل فقر در خانواده‌ها حرکت کند تا دسترسی انسان به فرصت‌ها و امکانات برابر برای همه مهیا شود (مؤیدفر، ۱۳۸۶: ۸۴). به‌گونه‌ای که پایداری در توسعه اقتصادی در توجه به مسائل اکولوژیکی، محیطی و عدالت ایجاد می‌گردد (Bastanifar & Sameti, 2004: 273). بنابراین توسعه پایدار منطقه‌ای منوط به تحقق عدالت اجتماعی برای همه است. سکونتگاه‌های شهری و روستایی یک نظام توزیع نابرابر فضایی بوده و سیاست‌های مداخله‌ای برای برهم زدن این نظام طبیعی ضروری است. اقدامات و فعالیت‌های مدیریت توسعه منطقه‌ای تحت عنوان آمایش منطقه‌ای، در قالب توزیع خدمات و استقرار فعالیت‌ها ازجمله مداخلاتی است که می‌تواند به باز توزیع درآمد و کاهش فاصله میان فقیر و غنی در این سکونتگاه‌ها منجر شود. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر از بین بردن شکاف و نابرابری بین سکونتگاه‌ها، گذر از الگوهای متمرکز توسعه است (وارثی و همکاران ۱۳۸۶: ۹۸) چرا که امکانات توسعه بخش مهمی از سیستم توسعه منطقه‌ای است و همچنین ارز یکی از امکانات یکی از مهم‌ترین مسائل در مطالعه سیستم‌های شهری و منطقه‌ای به شمار می‌رود. در این رابطه اگر توزیع خدمات متناسب با نیازهای مناطق و کاربری‌های توزیع شده نباشد، خود می‌تواند باعث افزایش تراکم جمعیت در مناطق دیگر گردد، که این مسئله نه‌تنها به نفع ساکنین هر سکونتگاه نخواهد بود بلکه باعث می‌شود برخی از ساکنین نیز از توزیع خدمات مناسب برخوردار نگردند. بنابراین توجه به برنامه‌ریزی فضایی در خصوص توزیع عادلانه خدمات نه‌تنها تحقق عدالت فضایی برای منطقه را در بردارد، بلکه می‌تواند از بروز شکاف و نابرابری خدمات در بین مناطق جلوگیری نماید (وارثی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۸). همچنین توسعه گسترده هر منطقه نیز منجر به توزیع نابرابر خدمات در بین مناطق می‌شود و عدالت اجتماعی و فضایی را در سکونتگاه‌های شهری و منطقه‌ای زیر سؤال برده و به توسعه گسترده سکونتگاه‌ها دامن زده می‌زند که با اعمال سیاست‌های کنترل توسعه شهری در درازمدت، سکونتگاه‌ها دارای شکل فشرده سکونتگاه‌ها و ترویج الگوهای متمرکز توسعه خواهد شد (ذاکریان و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۴).

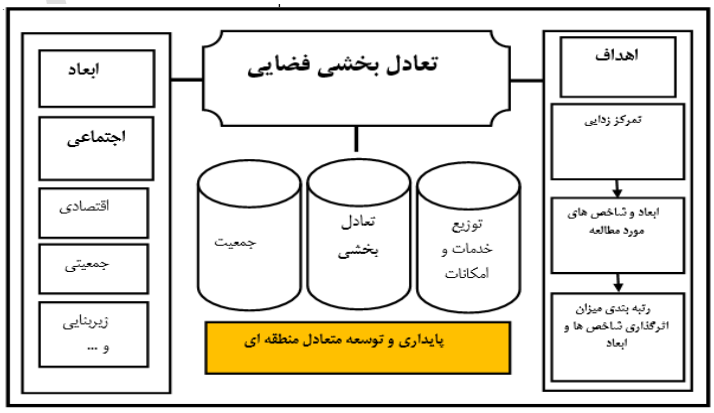

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

پیشینه پژوهش

طالشی (۱۳۹۸)، در مطالعه سیاست تمرکزگرایی و ناپایداری نظام سکونتگاهی در پیرامون کلان‌شهر تهران به این نتیجه رسیده است که ناتوانی سیاست تمرکزگرایی در توزیع متوازن جمعیت و فعالیت و ناتوانی عملکردی کلان‌شهر تهران در ناحیه پیرامونی، شاهد انواع ناهنجاری‌های کالبدی ـ فضایی همچون توسعه بی‌رویه فیزیکی شهر تهران، الحاق شهری، خزش و سکونتگاه‌های غیررسمی بوده‌ایم که پایداری نظام سکونتگاهی منطقه کلان‌شهری تهران را با مخاطرات جدی روبرو ساخته است. در نهایت با بهره‌گیری از اصول برنامه‌ریزی فضایی و پیروی از سیاست‌های تمرکززدایی در چارچوب رویکرد پویش ساختاری ـ کارکردی و پیوند فضایی ـ عملکردی روستا ـ شهری پایداری نظام سکونتگاهی در مجموعه کلان‌شهر تهران قابل دست‌یابی است.

میکانیکی و همکاران (۱۳۹۸)، در بررسی شهرهای کوچک و توسعه پایدار سکونتگاه‌های پیرامونی مورد: شهر خوسف به این نکته اشاره دارند که شهرهای کوچک به‌عنوان مراکزی قلمداد می‌شوند که نقش بسزایی در تقویت و توسعه نواحی روستایی دارند و در درازمدت منجر به ایجاد شرایطی می‌گردد که توان فعالیت‌های تولیدی را درون این نقاط شهری تقویت نموده و کل منطقه را تحت تأثیر عملکرد و نقش خود قرار می‌دهد.

توکلی و همکاران (۱۳۹۶)، در مطالعه تأثیر شهرهای متوسط بر توسعه منطقه پیرامونی (مطالعه موردی شهرستان آباده استان فارس) معتقدند توزیع ناموزون جمعیت بر فضا به‌شدت متأثر از توزیع ناموزون امکانات فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها است. توزیع نامتعادل فعالیت‌ها در سطح سرزمین که بعضاً ناشی از عدم تعادل قابلیت‌های طبیعی بوده است علاوه‌بر ایجاد عدم تعادل کلی در توزیع فضایی جمعیت منجر به ایجاد عدم تعادل‌های درونی در سطح مناطق شده است. این عدم تعادل‌ها چه در بعد کیفی و چه در بعد کمی بین تمام سکونتگاه‌های زیستی مشهود است. ایجاد قطب‌های بزرگ جمعیتی در یک منطقه که خود جاذب بسیاری از فعالیت‌های خدماتی و تولیدی و زیربنایی می‌باشند موجب جذب جمعیت‌های جدید شده و این دور تسلسل موجب تشدید روزافزون فاصله این قطب‌ها با مناطق اطراف گردیده و روند عدم تعادل را تشدید می‌کنند. از مطالعات انجام شده در ارتباط با موضوع مورد مطالعه می‌توان نتیجه گرفت عوامل عدم تعادل‌های منطقه‌ای در سکونتگاه‌های انسانی شناسایی و تقریباً راهکارهای علمی و اجرایی متفاوتی برای حل مسائل تمرکزگرایی ارائه شده است. با نگاهی به راهبردهای ارائه شده می‌توان به‌خوبی حلقه مفقوده تحقق‌پذیری راهبردهای اجرایی را ملاحظه کرد. فقدان مدل اجرایی توسعه منطقه‌ای مرتبط با شرایط هر منطقه حلقه مفقوده‌ای است که پی محرک اصلی حرکت به سمت الگوی متوازن و شبکه‌ای را در توسعه منطقه‌ای محسوب شود. این مدل که برگرفته از مدل‌های قطب رشد و مرکز – پیرامون و ... خواهد بود قابلیت انضباط در توسعه منطقه‌ای در شهرهای پیرامونی شهر بزرگ یزد را فراهم خواهد آورد.

روش انجام پژوهش

این پژوهش و پژوهش از نظر نوع، کاربردی و از لحاظ روش بررسی، توصیفی ـ تحلیلی است که مبتنی بر مطالعات اسنادی و روش پیمایشی، توصیفی و مشاهده و برداشت میدانی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌های نرخ رشد جمعیت سلسله‌مراتب شهرها ـ مدل‌های نخست شهری، ضریب پراکندگی و ... می‌باشد. اضافه بر این در بخش رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها از نظر شاخص‌های کالبدی ـ فضایی، اجتماعی ـ فرهنگی، اقتصادی، جمعیتی، زیربنایی و بهداشتی–درمانی از مدل تاپسیس بهره گرفته شد. همچنین به‌منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از ضرایب آماری استنباطی مانند ضرایب همبستگی ـ رگرسیون ـ تحلیل واریانس، استفاده گردید.

جدول ۱–الف. ابعاد و شاخص‌های مورد مطالعه

	ضریب باسوادی ناحیه	ضریب باسوادی زنان در ناحیه	درصد محصلان زن
فرهنگی	تعداد دانشجویان به ازاء هر هزار نفر جمعیت	تعداد فارغ‌التحصیلان عالی زن نقاط روستایی به ازاء هر هزار نفر جمعیت	درصد محصلان مرد
	تعداد فارغ‌التحصیلان فوق‌لیسانس و بالا و به ازاء هزار نفر جمعیت	تعداد کتابخانه به ازاء ده هزار نفر جمعیت	تعداد معلمان به ازاء هر هزار نفر دانش‌آموز
بهداشتی ـ رمانی	تعداد پزشکان عمومی به ازاء هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد پزشکان متخصص به ازاء هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد ماما یا پرستار به ازاء هر ده هزار نفر جمعیت
	تعداد مراکز بهداشتی و درمانی به ازاء هر ده نفر جمعیت	تعداد تخت بیمارستانی به ازاء ده هزار نفر جمعیت	تعداد داروخانه‌ها به ازاء هر ده هزار نفر جمعیت

جدول ۱-ب. ابعاد و شاخص‌های مورد مطالعه

	ضریب باسوادی ناحیه	ضریب باسوادی زنان در ناحیه	درصد محصلان زن
جمعیتی	ضریب شهرنشینی	تعداد دندان‌پزشکان به ازاء هر ده هزار نفر جمعیت معکوس بار تکفل	معکوس خانوار مسکن
زیربنایی	درصد مساکن شهری دارای آب‌لوله‌کشی	درصد مساکن روستایی دارای آب‌لوله‌کشی	طول راه‌ها به ازاء هر ۱۰۰ کیلومترمربع
	درصد مساکن روستایی دارای تلفن	سرانه مصرف انرژی (مگاوات ساعت)	درصد مساکن با دوام ناحیه
اقتصادی	درصد شاغلان دارای تحصیلات عالیه ناحیه نسبت به‌کل شاغلین ناحیه	درصد شاغلان دارای تحصیلات عالیه زن ناحیه نسبت به‌کل شاغلین ناحیه	معکوس نرخ بیکاری
	نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی	درصد شاغلان بخش صنعت نسبت به‌کل شاغلین ناحیه	درصد شاغلان بخش آموزش نسبت به‌کل شاغلین ناحیه
	درصد شاغلان بخش خدمات نسبت به‌کل شاغلین ناحیه	درصد شاغلان بخش بهداشت و مددکاری اجتماعی نسبت به‌کل شاغلین ناحیه	درصد شاغلان بخش معدن نسبت به‌کل شاغلین ناحیه
	درصد شاغلان بخش حمل‌ونقل نسبت به‌کل شاغلین ناحیه	ضریب اشتغال مردان ناحیه	ضریب اشتغال زنان ناحیه
	درصد قانون‌گذاران و مقامات عالی‌رتبه نسبت به‌کل شاغلین ناحیه	درصد شاغلان متخصص نسبت به‌کل شاغلین ناحیه	درصد شاغلان متخصص زن نسبت به‌کل شاغلین ناحیه

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

محدوده مورد مطالعه

استان یزد با مساحت ۷۴۷۸۲ کیلومترمربع (۵/۵ درصد مساحت کشور) در بخش مرکزی فلات ایران و در عرض‌های جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۷ دقیقه شمالی و طول‌های جغرافیایی ۵۲ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۱۶ دقیقه شرقی از نصف‌النهار مبدأ قرار دارد. این استان از شمال و شمال شرقی به استان‌های سمنان و خراسان رضوی، از شرق به خراسان جنوبی، از جنوب و جنوب شرقی به استان کرمان، از جنوب و جنوب غربی به استان فارس و از شمال و شمال غربی به استان اصفهان محدود است.

استان یزد طبق آخرین تغییرات تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۱، از ۱۰ شهرستان (یزد، ابرکوه، اردکان، تفت، خاتم، صدوق، مهریز، میبد، بافق، بهاباد)، ۱۹ بخش و ۴۳ دهستان تشکیل شده است (بعد از انتزاع شهرستان طبس از استان یزد). مرکز استان شهر تاریخی یزد است که با جمعیت ۴۸۶۲۰۰ (در سال ۱۳۹۰) به‌عنوان مهم‌ترین قطب جاذب جمعیت و فعالیت در سطح استان و ناحیه یزد عمل می‌کند. شهرهای میبد و اردکان به ترتیب با جمعیت ۸۰۷۱۲ و ۷۵۲۷۱ نفر در سال ۱۳۹۵ به‌عنوان دومین و سومین شهرهای استان از نظر جمعیت می‌باشند که با فاصله زیادی از شهر اول قرار دارند.

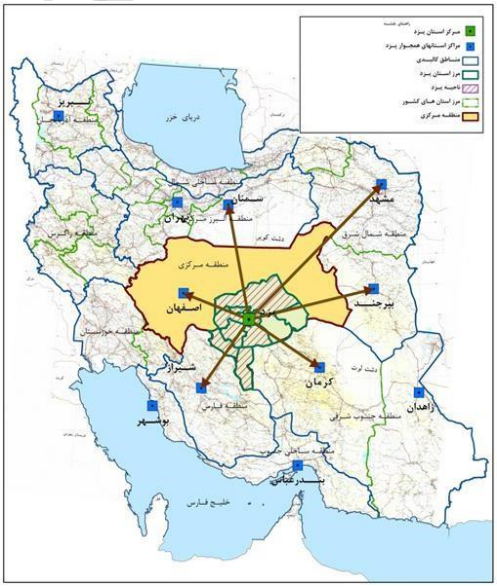

شکل ۱. موقعیت استان یزد و منطقه مرکزی شهر یزد و شهرهای پیرامونی آن در کشور

یافته‌ها

سطح‌بندی شهرهای استان یزد در شاخص‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی

با بهره‌گیری از روش تاپسیس به سطح‌بندی شهرهای استان یزد در پنج سطح خیلی برخوردار، برخوردار، متوسط، محروم، خیلی محروم پایین مبادرت گردید.

جدول ۲. بررسی شاخص‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی براساس روش تاپسیس

رتبه	شاخص‌های جمعیتی			شاخص‌های اجتماعی			شاخص‌های اقتصادی		
	نام شهر	میزان تاپسیس	سطح توسعه	نام شهر	میزان تاپسیس	سطح توسعه	نام شهر	میزان تاپسیس	سطح توسعه
۱	حمیدیا	۰/۹۶۲۵	خیلی برخوردار	یزد	۰/۸۱۶۲	خیلی برخوردار	یزد	۰/۷۳۹۲	خیلی برخوردار
۲	اردکان	۰/۸۳۴۲		میبد	۰/۶۸۳۱	برخوردار	میبد	۰/۷۰۴۳	
۳	تفت	۰/۵۸۳۱		اردکان	۰/۶۷۵۴		اردکان	۰/۵۱۲۴	برخوردار
۴	میبد	۰/۵۷۵۱		حمیدیا	۰/۶۳۸۲		تفت	۰/۵۰۲۶	
۵	یزد	۰/۵۷۴۵		بافق	۰/۴۳۲۴	متوسط	مهریز	۰/۴۸۱۷	
۶	بافق	۰/۴۹۱۷	برخوردار	مهریز	۰/۴۲۱۸		حمیدیا	۰/۴۴۷۶	
۷	مهریز	۰/۴۶۵۳		تفت	۰/۴۲۰۱		بافق	۰/۴۳۰۱	
۸	ابرکوه	۰/۴۴۸۹		ابرکوه	۰/۳۹۹۸		ابرکوه	۰/۲۲۳۸	متوسط
۹	شاهدیه	۰/۳۹۹۰		اشکذر	۰/۳۹۹۰		زارچ	۰/۲۱۵۲	
۱۰	اشکذر	۰/۲۸۷۱		بفروئیه	۰/۳۷۶۱		شاهدیه	۰/۱۹۷۴	
۱۱	هرات	۰/۲۴۳۵		شاهدیه	۰/۳۵۴۴		اشکذر	۰/۱۷۳۵	
۱۲	زارچ	۰/۱۷۶۸	متوسط	زارچ	۰/۳۲۹۶	محروم	بفروئیه	۰/۱۷۱۶	
۱۳	بفروئیه	۰/۱۵۲۷		هرات	۰/۳۱۶۴		هرات	۰/۱۷۰۲	
۱۴	احمدآباد	۰/۰۴۹۰		مروست	۰/۲۱۸۶		مروست	۰/۱۶۴۵	
۱۵	مروست	۰/۰۴۸۳		بهاباد	۰/۲۰۳۹		بهاباد	۰/۱۳۵۷	
۱۶	بهاباد	۰/۰۲۱۰		احمدآباد	۰/۱۸۷۶		احمدآباد	۰/۱۰۳۵	محروم
۱۷	عقدا	۰/۰۱۳۵	محروم	عقدا	۰/۱۵۴۸		مهردشت	۰/۰۸۶۹	
۱۸	ندوشن	۰/۰۱۰۲		ندوشن	۰/۱۳۲۱	خیلی محروم	عقدا	۰/۰۸۲۱	
۱۹	مهردشت	۰/۰۰۸۱		مهردشت	۰/۰۸۴۹		ندوشن	۰/۰۷۱۲	
۲۰	نیر	۰/۰۰۵۴	خیلی محروم	نیر	۰/۰۱۷۱		نیر	۰/۰۵۴۲	خیلی محروم
۲۱	خضرآباد	۰/۰۰۳۲		خضرآباد	۰/۰۰۹۱		خضرآباد	۰/۰۳۱۷	
	ضریب پراکندگی (C.V)	۰/۹۶۹			۰/۶۴۲			۰/۷۹۵	

جمعیتی

شاخص‌های این بخش حدود ۴ شاخص بوده که شامل نرخ رشد جمعیت، درصد جمعیت فعال، درصد مهاجران وارد شده به‌کل جمعیت و معکوس بار تکفل است. برابر بررسی‌های صورت گرفته در سطوح خیلی برخوردار ۵ شهر حمیدیا، اردکان، تفت، میبد و یزد قرار گرفته که حدود ۷۷/۸ درصد از جمعیت شهری استان را شامل می‌شوند. شهر حمیدیا به دلیل داشتن درصد بالای جمعیت فعال و همچنین تعداد مهاجرت جذب شده در سال‌های اخیر دارای رشد جمعیتی بالایی را داشته است (نرخ رشد این شهر از ۶/۷ درصد طی سال‌های ۹۰ ـ ۱۳۸۵ به ۶/۷ درصد طی سال‌های ۹۵ ـ ۱۳۹۰ افزایش یافته است) که این وضعیت در بالا بودن میزان معکوس بارتکفل این شهر منجر به دست‌یابی آن به وضعیت مطلوب‌تری در بین شهرهای استان گردیده است. در این رابطه بررسی مدل رتبه ـ اندازه زیپف و تعدیل یافته بهفروز به‌وضوح بیانگر تحولات گسترده جمعیتی در این شهر است به‌گونه‌ای که جمعیت واقعی این شهر در سال ۱۳۸۵ برابر با ۲۷۶۱۵ نفر و جایگاه آن در شهرهای استان در رتبه ۶ بوده است که بر اساس مدل زیپف و مدل تعدیل یافته بهفروز به ترتیب جمعیت آن باید ۷۲۰۳۲ نفر و ۳۵۲۵۰ نفر باشد، در صورتی که این‌گونه نبوده است. علاوه‌بر این، این وضعیت در سال ۱۳۹۵ دچار تحولات عمده‌ای شده و جایگاه این شهر به رتبه چهارم و جمعیت آن ۵۱۷۹۳ نفر رسیده است. می‌توان گفت این شرایط و دگرگونی‌ها منجر به رشد شاخص‌های جمعیتی در این شهر شده است.

۱۲/۹ درصد از جمعیت شهری استان در سطوح برخوردار

قرار گرفته‌اند که شامل ۴ شهر بافق، مهریز و ابرکوه، شاهدیه می‌شوند. در سطوح توسعه متوسط نیز ۵ شهر اشکذر، هرات و زارچ، بهاباد، بفروئیه واقع شده است. این شهرها حدود ۶/۱۷ درصد از جمعیت شهری استان را شامل می‌شوند. از مجموع ۲۱ شهر ۵ شهر در گروه چهارم یعنی سطوح محروم قرار گرفته‌اند که شامل شهرهای مروست، احمدآباد، عقدا، ندوشن، مهردشت که حدود ۲/۸ درصد جمعیت شهری استان را شامل می‌شوند. در سطوح توسعه خیلی محروم ۲ شهر نیر، خضرآباد واقع شده‌اند که حدود ۰/۲۳ درصد از جمعیت شهری استان را دربرمی‌گیرند (جدول ۲).

توزیع فضایی سطوح توسعه نشان می‌دهد بیش از نیمی از شهرهای استان در سطوح توسعه متوسط و برخوردار هستند که این مسئله بیانگر توسعه شهرهای استان در شاخص‌های جمعیتی است. در سطوح محروم و خیلی محروم بهبود وضعیت شاخص‌های جمعیتی می‌تواند در توسعه و نگهداشت جمعیت در این مناطق مفید واقع گردد که در این رابطه ایجاد جاذبه‌های علم و فناوری در این شهرها مانند توسعه پارک‌های علم و فناوری، توسعه مراکز نوآوری و استفاده آن‌ها در تولیدات کشاورزی و صنعتی و خدماتی که از مؤلفه‌های شهر خلاق می‌باشند، نقش مهمی دارند. نکته قابل‌تأمل در این زمینه عدم همبستگی و رابطه معنی‌دار بین تعداد جمعیت شهرها و توسعه شاخص‌های جمعیتی است. یعنی افزایش و فزونی تعداد جمعیت این شهرها هیچ‌گونه تأثیری در ارتقا و بهبود این شاخص‌ها نداشته‌اند. در این رابطه استفاده از شاخص‌های شهر خلاق در کنار افزایش جمعیت منجر به ایجاد طبقه خلاق در شهرها و توسعه شهرها از نظر شاخص‌های جمعیتی خواهد شد.

اجتماعی

برابر بررسی‌های صورت گرفته درزمینهٔ شاخص‌های اجتماعی و براساس تقسیم‌بندی سطوح توسعه، در سطوح بسیار برخوردار تنها شهر یزد قرار گرفته‌اند که ۵۴/۵ درصد از جمعیت شهری استان را در خود جای داده‌اند. در سطح برخوردار شهرهای میبد ـ اردکان ـ حمیدیا جای دارند که ۲۱/۳ درصد از جمعیت شهرهای استان را شامل شده‌اند. در سطح سوم توسعه (توسعه متوسط) ۱۵۱۷۴۰ نفر یعنی ۱۵/۶ درصد از جمعیت شهری استان در شهرهای بافق، مهریز، تفت، ابرکوه و اشکذر و بفروئیه قرار دارند. در گروه چهارم سطوح توسعه یعنی محروم ۳ شهر شاهدیه، زارچ، هرات با دارا بودن ۴/۴ درصد از جمعیت شهری استان جای گرفته‌اند. از ۲۱ شهر استان، ۹ شهر در آخرین سطح توسعه یعنی سطح خیلی محروم جای دارند که جمعیتی برابر با ۴/۱۹ درصد از جمعیت شهری استان را در برگرفته‌اند (جدول ۲). توزیع فضایی سطوح توسعه نشان می‌دهد ۷۵/۸ درصد از شهرهای استان در سطوح بسیار برخوردار و برخوردار ۲۴/۲ درصد هم در سطوح توسعه متوسط به پایین هستند. این شاخص‌ها هیچ‌گونه ارتباط معنی‌داری با فزونی جمعیت شهرها ندارند. توسعه اجتماعی شهرهای استان به‌ویژه شهرهای کوچک می‌تواند موجب تغییرات در توسعه پایدار شهرهای استان گردد، چرا که توسعه در این بُعد می‌تواند زمینه توسعه در تمام ابعاد را در کل منطقه منجر گردد. میزان نابرابری‌های شهری و شکاف توسعه بین شهرهای استان در این بخش ۰/۶۴۲ بوده است. این رقم بیانگر آن است که یک نوع نابرابری و عدم تجانس بین شهرهای مختلف است که به‌کارگیری مکانیسم فرصت‌های برابر برای تمامی شهرها می‌تواند واگرایی بین این شهرها از بین ببرد و همگرایی پایدار را که خود زمینه‌ساز توسعه پایدار اجتماعی است را فراهم سازد. زیرا که یکی از مؤلفه‌های اجتماعی مورد تأکید توسعه پایدار از بین بردن نابرابری‌های درون منطقه‌ای و درون‌شهری است. شهرهای محروم اکثراً روستاهایی بودند که به‌تازگی به دلیل سیاست‌های اخیر دولت برای جلوگیری از روند مهاجرت به شهر تبدیل شده‌اند. این شهرها به دلیل ساختار روستایی و ضعف بنیان‌های اجتماعی درزمینهٔ شاخص‌های اجتماعی نتوانسته‌اند به توسعه مطلوب دست یابند. شاخص‌های اجتماعی بیشتر دربرگیرنده وضعیت سواد و آموزش است. توسعه شهرها در این شاخص با تعداد جمعیت شهرها رابطه بسیار قوی و معنی‌داری را دارد. ضریب همبستگی به دست آمده به میزان ۰/۷۶۱ بوده که با سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. یعنی هرچقدر تعداد جمعیت شهرها بیشتر است وضعیت شاخص‌های اجتماعی مناسب‌تر است. اکثر شهرهای نیمه توسعه‌یافته و محروم در این بخش شهرهای کوچک اندام هستند که به‌تازگی به شهر تبدیل شده‌اند، یعنی از نظر ساختار اجتماعی هنوز ساختار روستایی خود را حفظ کرده‌اند. شاخص‌های اجتماعی که یکی‌ازکلیدترین معیار سبک شهرگرایی و شهرنشینی می‌باشد، بیانگر آن است که بهبود وضعت این شهرها در بخش اجتماعی نیازمند زمان است تا با ارتقای وضعیت سواد و آموزش خود را با الگوها و سبک زندگی شهرنشینی هماهنگ سازند. توزیع فضایی سطوح توسعه را در این بخش نشان می‌دهد.

اقتصادی

یکی دیگر از شاخص‌هایی که نقشی مهم و کلیدی در توسعه

شهرهای استان دارد شاخص‌های اقتصادی است. در واقع بهبود وضعیت اقتصادی زمینه‌ساز توسعه در تمام ابعاد جامعه است. بسیاری از دیدگاه‌های توسعه نیز مثل رادیکالیسم، سوسیالیسم، اقتصاد نئوکلاسیک و غیره سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی را زیربنای توسعه می‌دانند و معتقد هستند با توسعه اقتصاد ابعاد دیگر توسعه بهبود پیدا خواهد کرد.

در این قسمت از ۱۵ شاخص اقتصادی جهت سطح‌بندی شهرهای استان یزد استفاده شده است. که بیشتر این شاخص‌ها شاغلان در بخش‌های مختلف اقتصادی بوده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که در سطوح خیلی برخوردار شهر یزد و تفت با ۶۲/۸ درصد از جمعیت شهری استان قرار گرفته‌اند.

در سطح توسعه برخوردار ۵ شهر میبد، اردکان، مهریز، حمیدیا، بافق با ۲۳/۱ درصد از جمعیت شهری استان جای گرفته‌اند.

در گروه سوم توسعه یعنی توسعه متوسط شهرهای ابرکوه، زارچ، شاهدیه، اشکذر، بفروئیه، هرات با دارا بودن ۹/۹۱ درصد از جمعیت شهری استان قرار دارند. شهرهای مروست، بهاباد، احمدآباد، مهردشت و عقدا با ۳/۵ درصد از جمعیت شهری استان در سطوح توسعه محروم می‌باشند.

از ۲۱ شهر استان ۳ شهر ندوشن، نیر و خضرآباد با داشتن حدود ۰/۶۳ درصد از جمعیت شهری استان در سطوح توسعه خیلی محروم قرار دارند (جدول ۲). توزیع فضایی سطوح توسعه نشان می‌دهد اکثر شهرهای کوچک استان در سطوح توسعه محروم هستند که این مسئله بیانگر عدم توسعه شهرهای کوچک در شاخص‌های اقتصادی است.

ضریب همبستگی به دست آمده بین توسعه شاخص‌های اقتصادی و فزونی جمعیت شهرها بیانگر رابطه معنی‌دار قوی بین این دو متغیر است. به‌طوری که مقدار ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۹۲۸ بوده که با سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. چون اکثر شهرهای بزرگ زمینه‌های شغلی و فرصت‌های بیشتری را به لحاظ کار و اشتغال ایجاد می‌کنند و همچنین بازگشت سرمایه در این شهرها با سودهای بیشتری نسبت به شهرهای کوچک است موجب گردیده است اکثر سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی کارگاه‌های بزرگ صنعتی و کارخانه‌ها در شهرهای بزرگ احداث شوند. به همین منظور این ارتباط یعنی رابطه اقتصاد و جمعیت در شهرهای استان یزد بسیار قوی و معنی‌دار است.

براساس یافته‌های حاصل از مطالعات اقتصادی، شهرهای بهاباد، مروست، ندوشن جزء شهرهایی محسوب می‌شوند که نقش اقتصادی آن‌ها کشاورزی است و به دلیل وضعیت اقلیمی نامناسب در مهر و موم‌های اخیر بخش کشاورزی در این شهرها پایین‌ترین میزان بهره‌وری قرار داشته‌اند و به همین دلیل بخش زیادی از جمعیت فعال اقتصادی در این بخش جذب بخش‌های دیگر اقتصادی البته در سایر شهرهای استان که نقش اقتصادی آن‌ها صنعت و خدمات بوده‌اند شده‌اند و به همین دلیل جز شهرهای محروم و خیلی محروم از نظر اقتصادی محسوب می‌شوند.

میزان شکاف و نابرابری‌های شهری در بخش اقتصادی به میزان ۰/۷۹۵ بالا بوده است. اکثر ساکنان شهرهای کوچک استان در بخش‌های کشاورزی و دامپروری مشغول فعالیت هستند. رکود بخش کشاورزی طی مهر و موم‌های اخیر در سطح کلان کشور به دلایل گوناگون بر نامساعد بودن وضعیت اقتصادی این شهرها تأثیرگذار بوده است. فقدان کارخانجات اقتصادی و کارگاه‌های بزرگ صنعتی بر نزول توسعه اقتصادی آن‌ها مزید بر علت شده است. اگرچه کشور مرحله گذار از کشاورزی به صنعتی شدن را طی نموده است ولی این شهرها به دلیل کم‌توجهی دستگاه‌های اجرائی، فقدان نگرش سیستمی در بعد برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری موجب گردیده از نظر امکانات و زمینه‌های صنعتی و تکنولوژی پیشرفت نکند این مسئله موجب گردیده است این شهرها از نظر فرصت‌های شغلی با کمبود مواجه گردد. از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه پایدار شهری مؤلفه‌های اقتصادی و تأمین رفاه شهروندان از نظر اشتغال، توزیع بهینه منابع، فراهم نمودن فرصت‌های شغلی برابر از طریق سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و دولتی است باید برای نیل به پایداری اقتصادی در این شهرها شاخص‌های بخش اقتصادی متناسب با کمبودهای موجود مورد توجه قرار گیرد. در نظریه‌های سنتی مکان نیز این موضوع مورد تأکید قرار گرفته که شهرهای کوچک از لحاظ اقتصادی شکننده و ضعیف هستند. این ضعف اقتصادی و شکنندگی آن را در شهرهای کوچک استان یزد نتایج شاخص‌های اقتصادی تأیید می‌نماید. اگرچه از شهرهایی که در سطح محروم قرار دارند برخی از آن‌ها دارای فعالیت‌های صنعتی و معدنی می‌باشند اما با عنایت به واگذاری‌هایی سال‌های اخیر کارگروه امور زیربنایی و شهرسازی استان که بیشتر فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری بوده است باید توجه شود که توسعه اقتصادی این شهرها با رونق گرفتن این فعالیت‌ها و مکانیزه شده تولیدات آن‌ها و مهم‌تر از همه شکل‌گیری تعاونی‌های زنجیره‌ای امکان‌پذیر است.

سطح‌بندی شهرهای یزد در شاخص‌های بهداشتی ـ درمانی، زیربنایی و تلفیق کلی شاخص‌ها

در این قسمت نیز شاخص‌های بهداشتی–درمانی و شاخص‌های زیربنایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج کلی آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. رتبه‌بندی شهرهای استان به لحاظ شاخص‌های بهداشتی ـ درمانی، زیربنایی و تلفیقی

	بهداشتی ـ درمانی			شاخص‌های زیربنایی			شاخص‌های تلفیقی		
رتبه	نام شهر	میزان تاپسیس	سطح توسعه	نام شهر	میزان تاپسیس	سطح توسعه	نام شهر	میزان تاپسیس	سطح توسعه
۱	یزد	۰/۹۳۶۸	خیلی برخوردار	یزد	۰/۸۱۳۶	خیلی برخوردار	یزد	۰/۹۲۴۶	خیلی برخوردار
۲	تفت	۰/۷۰۴۳		میبد	۰/۶۱۳۴		میبد	۰/۷۶۵۸	
۳	میبد	۰/۶۹۳۸	برخوردار	حمیدیا	۰/۵۲۴۹		تفت	۰/۷۳۱۶	برخوردار
۴	اردکان	۰/۶۸۵۱		اردکان	۰/۵۰۱۷	برخوردار	اردکان	۰/۷۰۱۹	
۵	مهریز	۰/۲۸۱۷		تفت	۰/۴۳۱۶		مهریز	۰/۵۳۷۹	
۶	ابرکوه	۰/۲۴۷۶		مهریز	۰/۴۱۵۷		ابرکوه	۰/۵۲۰۴	
۷	حمیدیا	۰/۲۳۰۱		بافق	۰/۳۶۷۲		حمیدیا	۰/۴۸۳۷	
۸	شاهدیه	۰/۲۲۳۸	متوسط	ابرکوه	۰/۳۲۷۳		بافق	۰/۴۵۶۱	متوسط
۹	بافق	۰/۲۱۵۲		شاهدیه	۰/۳۰۱۸	متوسط	شاهدیه	۰/۴۴۰۹	
۱۰	بفروئیه	۰/۲۰۷۹		اشکذر	۰/۲۷۰۱		بفروئیه	۰/۴۱۳۴	
۱۱	هرات	۰/۱۸۷۴		بفروئیه	۰/۱۱۳۵		هرات	۰/۳۲۸۷	محروم
۱۲	اشکذر	۰/۱۲۳۵	محروم	زارچ	۰/۲۲۸۳	محروم	اشکذر	۰/۳۱۵۴	
۱۳	زارچ	۰/۱۰۸۲		هرات	۰/۱۷۶۴		زارچ	۰/۳۰۲۹	محروم
۱۴	مروست	۰/۰۹۴۵	محروم	مروست	۰/۰۹۶۵		مروست	۰/۲۸۷۶	
۱۵	بهاباد	۰/۰۷۳۱		بهاباد	۰/۰۶۸۴		بهاباد	۰/۲۰۳۴	
۱۶	مهردشت	۰/۰۵۴۹		عقدا	۰/۰۵۸۳	خیلی محروم	احمدآباد	۰/۱۹۵۰	
۱۷	احمدآباد	۰/۰۵۰۱	خیلی محروم	ندوشن	۰/۰۴۳۸		عقدا	۰/۱۶۳۷	خیلی محروم
۱۸	عقدا	۰/۰۴۸۵		مهردشت	۰/۰۴۱۲		مهردشت	۰/۱۴۰۱	
۱۹	ندوشن	۰/۰۱۴۹		احمدآباد	۰/۰۳۷۴		ندوشن	۰/۰۸۶۶	
۲۰	نیر	۰/۰۰۸۱		نیر	۰/۰۲۷۶		نیر	۰/۰۵۰۴	
۲۱	خضرآباد	۰/۰۰۵۴		خضرآباد	۰/۰۰۱۸		خضرآباد	۰/۰۲۶۸	
ضریب پراکندگی (C.V)		۱/۰۹۱			۰/۸۸۴			۰/۶۴۹	

بهداشتی–درمانی

در این زمینه ۱۰ شاخص بهداشتی ـ درمانی جهت بررسی سطوح توسعه شهرهای استان مورد مطالعه قرار گرفت. بر اساس بررسی‌های انجام شده مشخص گردید شهر یزد با حدود ۵۴/۵ درصد از جمعیت شهری استان در سطوح خیلی برخوردار است. دلیل اصلی این امر وجود مراکز بهداشتی و درمانی متعدد در این شهر است وجود گستردگی خدمات بهداشتی ـ درمانی در شهر یزد منجر به ارائه خدمات نه‌تنها به شهروندان خود بلکه به سایر شهروندان شهرهای استان گردیده است. در گروه دوم توسعه یعنی سطح برخوردار شهرهای تفت، میبدـ اردکان با ۱۷/۹ درصد از جمعیت شهری استان جای گرفته‌اند. مهریز ـ ابرکوه ـ حمیدیا ـ شاهدیه ـ بافق ـ بفروئیه ـ هرات در گروه سوم توسعه (توسعه متوسط) جای دارند که ۱۶/۷۸ درصد از جمعیت شهری استان در این گروه قرار دارند. در گروه چهارم توسعه یهنی سطح محروم شهرهای اشکذر ـ زارچ ـ مروست ـ بهاباد با ۴/۱ درصد جمعیت شهرهای استان قرار دارند. در نهایت سطوح توسعه خیلی محروم شامل شهرهای مهردشت ـ احمدآبادـ عقدا ـندوشن ـ نیر و خضرآباد ۶/۷۲ درصد جمعیت شهری استان می‌باشد (جدول ۳).

توزیع فضایی سطوح توسعه نشان می‌دهد تعداد زیادی از شهرهای استان در سطوح توسعه متوسط به پایین هستند به‌گونه‌ای ۲۷/۶ درصد از شهرهای در این سطوح توسعه قرار گرفته‌اند. می‌توان گفت یکی از شاخص‌هایی که سلامت جامعه با آن سنجیده می‌شود شاخص‌های بهداشتی ـ درمانی است. شاخص‌های مورد استفاده در این بخش ۱۰ شاخص بوده است. در این بخش نیز جمعیت شهری با شاخص‌های توسعه بهداشتی ـ درمانی هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری ندارند. یعنی توسعه شاخص‌های بهداشتی ـ درمانی در این شهرها متناسب با نیازهای جمعیتی نبوده است. میزان نابرابری‌های شهری در این بخش ۱/۰۹۱ بوده که نشان می‌دهد نابرابری و واگرایی بالایی بین شهرهای استان به لحاظ برخورداری از شاخص‌ها و

امکانات بهداشتی ـ درمانی وجود دارد.

زیربنایی

از دیگر شاخص‌های مورد بررسی که نقش کلیدی در روند توسعه فضایی شهرها دارا است شاخص‌های زیربنایی است. این بخش مشتمل بر ۱۲ شاخص بوده است. طبق جدول (۴ ـ ۵) شهر یزد به‌عنوان شهر با سطوح توسعه خیلی برخوردار می‌باشد که ۵۴/۵ درصد از جمعیت شهری استان را در خود جای داده‌اند.

شهرهای میبد ـ حمیدیا ـ اردکان ـ تفت و مهریز با ۲۶/۸ درصد از جمعیت شهری استان در گروه دوم توسعه یعنی سطوح برخوردار قرار دارند. شهر مهریز در سال ۱۳۹۴ با احداث بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین کشتارگاه استان نه‌تنها در این شاخص بلکه با احداث هتل‌ها و مهانسراها، رستوران‌ها در این کشتارگاه باعث افزایش تعداد امکانات زیربنایی این شهر شده است.

در سطح توسعه متوسط شهرهای بافق ـ ابرکوه ـ شاهدیه ـ زارچ ـ بفروئیه ـ اشکذر با ۱۳/۲۱ درصد از جمعیت شهری استان قرار دارند. شهرهای هرات ـ مروست ـ بهاباد در سطح توسعه محروم با ۳/۲ درصد از جمعیت شهری استان قرار دارند.

از ۲۱ شهر استان شهرهای احمدآباد ـ ندوشن ـ عقدا ـ نیر ـ مهردشت و خضرآباد با ۲/۰۹ درصد از جمعیت شهری استان در سطح توسعه خیلی محروم جای دارند.

توزیع فضایی سطوح توسعه نیز نشان می‌دهد اکثر شهرهای استان در سطوح توسعه متوسط به پایین هستند به‌گونه‌ای که ۷۱/۴ درصد از شهرها در این گروه جای دارند. این شاخص نیز با افزایش جمعیت شهرها وضعیت بهتری را پیدا می‌کند. ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۹۵۷ با سطح اطمینان ۹۹ درصد است. ضریب پراکندگی به دست آمده در بخش تأسیسات و تجهیزات شهری ۰/۹۹ بوده که نشان‌دهنده واگرایی و شکاف نسبتاً بالا بین شهرهای استان است. ضریب همبستگی به دست آمده بین این بخش و تعداد جمعیت ۰/۸۳۶ بوده که با سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. این رقم نشان می‌دهد شاخص‌های زیربنایی و تأسیسات و تجهیزات شهری با افزایش جمعیت رابطه معنی‌داری دارند. زیرا شهرهای پرجمعیت با سابقه زیاد شهرنشینی امکانات و تسهیلات شهری را در خود جمع کرده‌اند و شهرهای تازه تأسیس از نظر شاخص‌های زیربنایی با کمبود مواجه هستند. در این شاخص‌ها فقط از بین شهرهای مراکز شهرستانی شهر بافق است که محروم است که نشان می‌دهد این شهر با وجود این که دارای معادن زیادی می‌باشد و بخش عمده اقتصاد شهر متکی بر فعالیت‌های معدنی است اما به لحاظ شاخص‌های زیربنایی مورد کم‌توجهی قرار گرفته و نیازمند بهبود در این شاخص است.

نرخ رشد جمعیتی برخی از شهرهای کوچک استان نشان‌دهنده جمعیت‌پذیری این شهرها است. اما توسعه شاخص‌های تأسیسات و تجهیزات نشان می‌دهد این شهرها از نظر این بخش در وضعیت مناسبی قرار ندارند. از آنجایی که تأکید اساسی توسعه پایدار شهری هماهنگی بین افزایش جمعیت و ظرفیت زیرساخت‌های شهری است. باید جهت نیل به توسعه پایدار شهری و تأمین اهداف آن به بهبود استانداردهای تأسیسات و تجهیزات شهری توجه اساسی شود. که این موضوع در شهرهای استان یزد به‌عنوان یک ضرورت احساس می‌گردد. شهرنشینی پایدار نیز مقیاس و دوام نابرابری‌های شهری، آسیب‌پذیری و فقر موجود در شهرهای کشورهای جهان سوم را کمبود ظرفیت زیرساخت‌های شهری می‌داند که این کمبودها موجب می‌گردد نیازهای اساسی شهروندان فراهم نگردد که این مسئله ثبات و پایداری شهرها را زیر سؤال ببرد. پس می‌توان گفت کمبود تأسیسات و تجهیزات شهری به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی زیرساخت‌های شهری موجب دسترسی نامناسب و نامتعادل شهروندان به امکانات و تسهیلات شهری می‌گردد که عدالت و برابری اجتماعی را از بین برده و به شکل‌گیری طبقات شهری منجر شد.

سطح‌بندی شهرهای استان یزد در شاخص‌های تلفیقی

در مباحث قبلی به‌طور مفصل شاخص‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی ـ درمانی، زیربنایی به صورت بخش‌های جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش نیز ۴۰ شاخص بخش‌های مختلف به صورت یک شاخص تلفیقی در نظر گرفته شد که نتایج زیر حاصل گردید (جدول ۳).

شهر یزد با دارا بودن ۵۴/۵ درصد از جمعیت شهری استان در سطح توسعه خیلی برخوردار قرار گرفت. شهر یزد اگرچه در بعضی از بخش‌ها جایگاه مناسبی نداشته است دلیل اصلی این امر مشکلات ناشی از پرجمعیت بودن شهری است که اکثر شهرهای بزرگ در بعضی از شاخص‌ها دارند. اما در مجموع شهر یزد به دلیل مرکزیت استان و زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اداری، فرهنگی و جاذبه‌های طبیعی و انسانی و تمرکز نهادها و سازمان‌ها در رتبه بالایی قرار گرفته است.

شهرهای میبد، تفت و اردکان نیز با قرارگیری در سطح توسعه برخوردار ۱۷/۹ درصد از جمعیت شهری استان را در

برگرفته‌اند. افزایش ۲۰/۶ درصدی جمعیت شهر میبد در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰ منجر به بالا رفتن میزان نرخ رشد جمعیت، میزان باسوادان، تعداد محصلین، تعداد شاغلین، تعداد واحدهای خدماتی و تولیدی، تعداد پزشکان و در مجموع افزایش در اکثر شاخص‌های مورد مطالعه گردیده است و همین عوامل منجر به قرار گرفتن این شهر در جایگاه دومین شهر استان شده است.

شهرهای مهریز ـ ابرکوه ـ حمیدیاـ بافق ـ شاهدیه ـ بفروئیه ۱۸/۹۱ با دارا بودن درصد از جمعیت شهری استان در سطح توسعه متوسط قرار گرفته‌اند.

گروه چهارم توسعه یعنی سطح محروم شامل شهرهای هرات ـ اشکذر ـ زارچ ـ مروست و بهاباد است که ۸/۸ از جمعیت شهری استان را شامل شده‌اند.

درصد زیادی از شهرهای استان در سطح توسعه خیلی محروم قرار دارند به‌گونه‌ای که از ۲۱ شهر استان ۶ شهر با ۳/۰۹ درصد از جمعیت شهری استان در این سطح از توسعه قرار گرفته‌اند (جدول ۴ ـ ۷). توزیع فضایی سطوح توسعه نیز نشان می‌دهد اکثر شهرهای استان در سطوح توسعه محروم و خیلی محروم هستند.

ضریب همبستگی محاسبه شده بین توسعه شاخص‌های تلفیقی و تعداد جمعیت ۰/۸۳۲ با سطح اطمینان ۹۹ درصد است. بنابراین یافته‌ها بیانگر توسعه شهرهای بزرگ و عدم توسعه شهرهای کوچک است. این نتایج بیانگر آن است به لحاظ توسعه کلی الگوی فضای ناحیه‌ای در پهنه استان الگوی مرکز ـ پیرامون است. یعنی هرچقدر به طرف شهرهای بزرگ به لحاظ جمعیتی، اداری و اقتصادی نزدیک‌تر شویم شهرها توسعه‌یافته‌تر می‌شوند. چون اکثر شهرهای استان شهرهای کوچک اندام هستند با وجود برخورداری در برخی از شاخص‌ها مانند تراکم مطلوب جمعیت، عدم کمبود در سرانه‌های خدمات شهری جایگاه مناسبی را به دست نیاورده‌اند. به خاطر این‌که این شهرها در پیرامون استان واقع شده‌اند. وجود برنامه‌ریزی بالا به پایین در ساختار برنامه‌ریزی کشور و منطقه بر محرومیت مناطق پیرامونی افزوده است. میزان نابرابری‌های شهری در شاخص‌های تلفیقی ۰/۶۴۹ بوده که بیانگر واگرایی و عدم تجانس بالا در برخورداری از شاخص‌های مختلف توسعه است. این نابرابری‌ها خود یکی از مواردی است که به محرومیت و توسعه‌نیافتگی شهرهای استان مزید بر علت شده است.

ضریب همبستگی به دست آمده بین مقدار توسعه شاخص‌های تلفیقی و تعداد و فزونی جمعیت ۰/۸۵۶ بوده که با سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. این مسئله نشان می‌دهد تخصیص منابع و امکانات بین شهرها بر مبنای نیازهای جمعیتی شهروندان صورت نمی‌گیرد بلکه بر مبنای عوامل اقتصاد سیاسی و قدرت اداری آن‌ها شکل می‌گیرد. شناسایی و بهره‌برداری پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های عظیم طبیعی، فرهنگی، انسانی و چشم‌اندازهای تاریخی و فرهنگی گردشگری برخی از شهرهای کوچک استان می‌تواند به بهبود وضعیت مناسب این شهرها منجر گردد. همچنین برخی از شهرهای استان پتانسیل بالایی در توسعه کشاورزی دارند که ایجاد کارگاه‌های تولیدی کوچک و حمایت از اشتغال کشاورزی می‌تواند به توسعه فعالیت‌های کشاورزی و در نهایت توسعه این شهرها کمک نماید. از سوی دیگر برخی از این شهرها قابلیت توسعه مزارع انرژی خورشیدی می‌باشند که در مهر و موم‌های اخیر تعداد زیادی مجوزهای قانونی در این زمینه صادر گردیده اما هنوز به جهت عدم سرمایه‌گذاری‌های مطلوب به نتیجه نرسیده‌اند که با حمایت‌های بخش دولتی توسعه این بخش می‌تواند منجر به توسعه شهرها گردد.

بررسی شبکه شهری استان یزد براساس مرتبه ـ اندازه Z و مدل تعدیل‌یافته در سال ۱۳۶۵

از کل ۸۲۰۴۷۵ جمعیت استان در این سال، تعداد ۹۸۹۱۸۳ نفر در مناطق شهری سکونت داشته‌اند که این تعداد ۶۶ درصد جمعیت استان را به خود اختصاص می‌دهد.

– شهر یزد با ۳۸۴۰۳۲ نفر جمعیت در مرتبه اول نظام سلسله‌مراتب شهری استان قرار گرفته است و به‌تنهایی ۰۴ درصد جمعیت استان و ۶۰/۳۳ درصد جمعیت شهرنشین استان را در خود متمرکز نموده است.

ـ شهر اردکان به‌عنوان دومین شهر استان با جمعیتی معادل ۸۳۸۴۳ نفر جمعیت، ۹/۲۱ درصد جمعیت شهری استان را در برگرفته و اختلاف سهم جمعیتی اردکان و یزد از کل جمعیت شهرنشین استان به ۱۵/۱۲ درصد می‌رسد، که اختلاف فاحشی است.

ـ شاخص نخست شهری در این سال معادل ۶/۲۶ بوده، به عبارتی یزد به‌عنوان اولین شهر در نظام شهری استان ۶/۲۶ برابر دومین شهر استان (اردکان) جمعیت داشته است. این رقم نسبت به مهر و موم‌های گذشته به‌تدریج افزایش پیدا کرده و همچنان الگوی نخست شهری حاکمیت دارد. شاخص تمرکز سه شهری معادل ۲/۸۷ است و جمعیت شهر یزد ۲/۸۷ برابر مجموع جمعیت شهرهای دوم تا شهر چهارم می‌باشد.

ـ شاخص تمرکز چهار شهری معادل ۲/۳۲ است و جمعیت شهر یزد ۲/۳۲ برابر مجموع شهرهای دوم تا شهر پنجم است. طبق جدول، با توجه به محاسبات صورت گرفته شهرهای

استان به جزء شهر یزد با کمبود جمعیت مواجه می‌باشند، به‌طور کلی با تفاضل جمعیت واقعی و مدل مرتبه ـ اندازه z، ۸۴۲۳۳۳/۱۳ نفر کمبود جمعیت داریم.

ـ براساس مدل تعدیل‌یافته، آمار و ارقام جدول نشان می‌دهد، که شهر یزد با مازاد جمعیت روبرو است (معادل ۸۸۳۷۰۱/۳۲ نفر جمعیت) و شهرهای دیگر با کمبود جمعیت مواجه می‌باشند. بنابراین توزیع جمعیت بین شهرهای استان نامتعادل می‌باشد. در نمودار مرتبه ـ اندازه تعدیل‌یافته، بین شهر اول با شهر دوم فاصلهٔ زیادی وجود ندارد. به‌طوری که، شیب کمی نسبت به نمودار مرتبه ـ اندازه z وجود دارد.

ـ در مجموع در سال ۵۶ تغییراتی درزمینهٔ نظام شبکه شهری استان یزد ایجاد شده است ازجمله افزایش تعداد شهرهای استان (از تعداد ۹ شهر در سال ۵۵ به ۲۱ شهر در سال ۵۶ رسیده است)، تبدیل شهرهای بسیار کوچک به شهرهای کوچک و همچنان پراکندگی جمعیت در سطح شهرهای استان نامتعادل است (نمودار ۱ و۲).

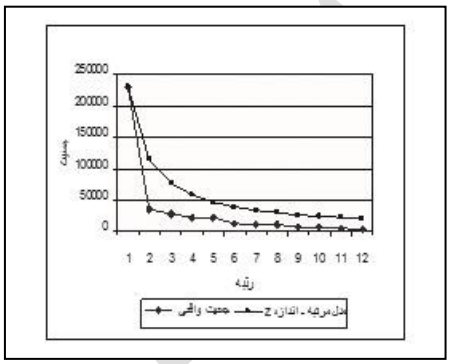

نمودار ۱. مرتبه ـ اندازه زیپف شهرهای استان یزد در سال ۱۳۶۵

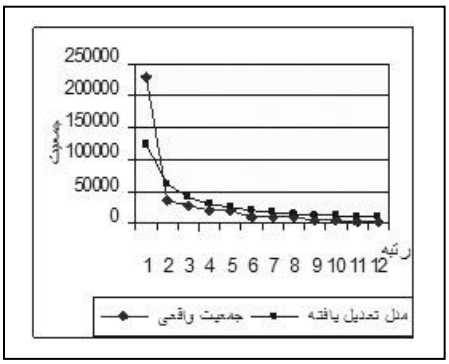

نمودار ۲. مرتبه ـ اندازه تعدیل شده شهرهای استان یزد در سال ۱۳۶۵

جدول ٤. محاسبه جمعیت در مدل مرتبه ـ اندازه زیپف و تعدیل‌یافته شهرهای استان یزد در سال ۱۳۶۵

مرتبه	شهر	جمعیت واقعی	جمعیت مدل مرتبه ـ اندازه z	تفاضل جمعیت واقعی و مدل مرتبه ـ اندازه z	مدل تعدیل‌یافته	تفاضل جمعیت واقعی و مدل تعدیل‌یافته
۱	یزد	۲۳۰۴۸۳	۲۳۰۴۸۳	۰	۱۲۳۰۹۴/۷۷	۱۰۷۳۸۸/۲۳
۲	اردکان	۳۴۸۳۸	۱۱۵۲۴۱/۵	ـ ۸۰۴۰۳/۵	۶۱۵۴۷/۳۸	ـ ۲۶۷۰۹/۳۸
۳	میبد	۲۷۱۴۶	۷۶۸۲۷/۶۷	ـ ۴۹۶۸۱/۶۷	۴۱۰۳۱/۵۹	ـ ۱۳۸۸۵/۵۹
۴	مهریز	۲۰۸۳۰	۵۷۶۲۰/۷۵	ـ ۳۶۷۹۰/۷۵	۳۰۷۷۳/۶۹	ـ ۹۹۴۳/۶۹
۵	بافق	۲۰۵۱۶	۴۶۰۹۶/۶	ـ ۲۵۵۸۰/۶	۲۴۶۱۸/۹۵	ـ ۴۱۰۲/۹۵
۶	تفت	۱۱۳۷۳	۳۸۴۱۳/۸۳	ـ ۲۷۰۴۰/۸۳	۲۰۵۱۵/۷۹	ـ ۹۱۴۲/۷۹
۷	زارچ	۱۰۴۳۸	۳۲۹۲۶/۱۴	ـ ۲۲۴۸۸/۱۴	۱۷۵۸۴/۹۷	ـ ۷۱۴۶/۹۷
۸	اشکذر	۹۶۳۷	۲۸۸۱۰/۳۷۵	ـ ۱۹۱۷۳/۳۸	۱۵۳۸۶/۸۵	ـ ۵۷۴۹/۸۵
۹	هرات	۵۶۹۷	۲۵۶۰۹/۲۲	ـ ۱۹۹۱۲/۲۲	۱۳۶۷۷/۲۰	ـ ۷۹۸۰/۲۰
۱۰	مروست	۵۵۹۳	۲۳۰۴۸/۳	ـ ۱۷۴۵۵/۳	۱۲۳۰۹/۴۸	ـ ۶۷۱۶/۴۸
۱۱	بهاباد	۳۵۶۵	۲۰۹۵۳	ـ ۱۷۳۸۸	۱۱۱۹۰/۴۳	ـ ۷۶۲۵/۴۳
۱۲	نیر	۱۸۷۳	۱۹۲۰۶/۹۲	ـ ۱۷۳۳۳/۹۲	۱۰۲۵۷/۹۰	ـ ۸۳۸۴/۹۰
جمع		۳۸۱۹۸۹	۷۱۵۲۳۷/۳۱	ـ ۳۳۳۲۴۸/۳۱	۳۸۱۹۸۹	

مأخذ. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان یزد، سال ۱۳۵۶ و محاسبات نگارندگان

بررسی شبکه شهری استان یزد براساس مرتبه ـ اندازه z و مدل تعدیل‌یافته در سال ۱۳۷۵

ـ از کل ۹۶۷۰۵۷ جمعیت استان در این سال، تعداد ۳۰۹۰۷۵ نفر در مناطق شهری سکونت داشته‌اند که این تعداد ۶۷ درصد جمعیت استان را به خود اختصاص می‌دهد. شهر یزد با ۶۷۷۶۲۳ نفر جمعیت در مرتبه اول نظام سلسله‌مراتب شهری استان قرار گرفته است و به‌تنهایی ۳۴ درصد جمعیت استان و ۵۷/۲۳ درصد جمعیت شهرنشین استان را در خود متمرکز نموده است.

ـ شهر اردکان به‌عنوان دومین شهر استان با جمعیتی معادل ۸۹۳۴۴ نفر جمعیت، ۷/۷۷ درصد جمعیت شهری استان را در برگرفته و اختلاف سهم جمعیتی اردکان و یزد از کل جمعیت شهرنشین استان به ۹۴/۶۴ درصد می‌رسد، که اختلاف فاحشی است.

ـ شاخص نخست شهری در این سال معادل ۷/۶۳ بوده، به عبارتی یزد به‌عنوان اولین شهر در نظام شهری اســتان ۷/۶۳ برابر دومین شهر استان (اردکان) جمعیت داشته است. این میزان نسبت به سال گذشته افزایش یافته و بیانگر عدم تبعیت نظام مذکور از قانون مرتبه ـ اندازه می‌باشد.

ـ شاخص تمرکز سه شهری معادل ۳/۳۰ است و جمعیت شهر یزد ۳/۳۰ برابر مجموع جمعیت شهرهای دوم تا شهر چهارم است.

ـ شاخص تمرکز چهار شهری معادل ۲/۶۴ است و جمعیت شهر یزد ۲/۶۴ برابر مجموع شهرهای دوم تا شهر پنجم است.

ـ طبق جدول، با توجه به محاسبات صورت گرفته شهرهای استان به جزء شهر یزد با کمبود جمعیت مواجه می‌باشند، به‌طور کلی با تفاضل جمعیت واقعی و مدل مرتبه ـ اندازه z، ۸۳۸۳۳۵/۰۱ نفر کمبود جمعیت داریم.

ـ در مجموع در سال ۵۷ تغییراتی درزمینهٔ نظام شـبکه شـهری استان یزد ایجاد شده است، ازجملـه افـزایش تعـداد شـهرهای استان، تبدیل شهر یزد به شهر بزرگ و افزایش شدید جمعیـت یزد. بنابراین تنهـا شـهر یـزد در حـال رشـد و توسـعه اسـت و شهرهای دیگر حالت رکود دارند (نمودار ۳ و ۴).

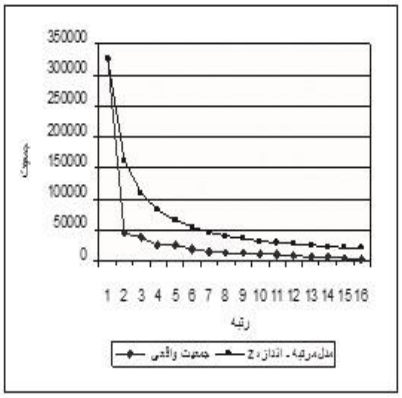

نمودار ۳. مرتبه ـ اندازه زیپف شهرهای استان یزد در سال ۱۳۷۵

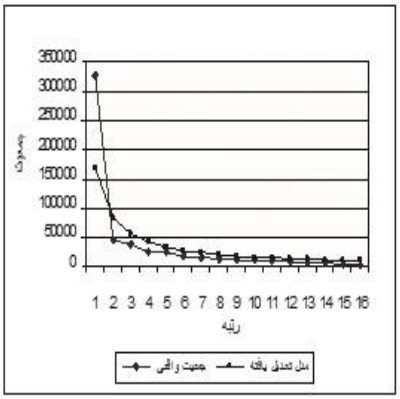

نمودار ٤. مرتبه ـ اندازه تعدیل شده شهرهای استان یزد در سال ۱۳۷۵

جدول ۵. محاسبه جمعیت در مدل مرتبه ـ اندازه زیپف و تعدیل‌یافته شهرهای استان یزد در سال ۱۳۷۵

مرتبه	شهر	جمعیت واقعی	جمعیت مدل مرتبه ـ اندازه z	تفاضل جمعیت واقعی و مدل مرتبه ـ اندازه z	مدل تعدیل‌یافته	تفاضل جمعیت واقعی و مدل تعدیل‌یافته
۱	یزد	۳۲۶۷۷۶	۳۲۶۷۷۶	۰	۱۶۸۸۶۹/۷۹	۱۵۷۹۰۶/۲۱
۲	اردکان	۴۴۳۹۸	۱۶۳۳۸۸	ـ ۱۱۸۹۹۰	۸۴۴۳۴/۹۰	ـ ۴۰۰۳۶/۹۰
۳	میبد	۳۸۰۶۱	۱۰۸۹۲۵/۳۳	ـ ۷۰۸۶۴/۳۳	۵۶۲۸۹/۹۳	ـ ۱۸۲۲۸/۹۳
۴	مهریز	۲۵۲۳۹	۸۱۶۹۴	ـ ۵۶۴۵۵	۴۲۲۱۷/۴۵	ـ ۱۶۹۷۸/۴۵
۵	بافق	۲۵۰۶۸	۶۵۳۵۵/۲	ـ ۴۰۲۸۷/۲	۳۳۷۷۳/۹۶	ـ ۸۷۰۵/۹۶
۶	ابرکوه	۱۹۱۶۴	۵۴۴۶۲/۶۷	ـ ۳۵۲۹۸/۶۷	۲۸۱۴۴/۹۷	ـ ۸۹۸۰/۹۷
۷	تفت	۱۵۱۱۵	۴۶۶۸۲/۲۹	ـ ۳۱۵۶۷/۲۹	۲۴۱۲۴/۲۶	ـ ۹۰۰۹/۲۶
۸	حمیدیا	۱۳۱۰۰	۴۰۸۴۷	ـ ۲۷۷۴۷	۲۱۰۸/۷۲	ـ ۸۰۰۸/۷۲
۹	زارچ	۱۲۳۷۷	۳۶۳۰۸/۴۴	ـ ۲۳۹۳۱/۴۴	۱۸۷۶۳/۳۱	ـ ۶۳۸۶/۳۱
۱۰	اشکذر	۱۱۴۱۳	۳۲۶۷۷/۶	ـ ۲۱۲۶۴/۶	۱۶۸۸۶/۹۸	ـ ۵۴۷۳/۹۸
۱۱	شاهدیه	۱۱۱۱۵	۲۹۷۰۶/۹۱	ـ ۱۸۵۹۱/۹۱	۱۵۳۵۱/۸۰	ـ ۴۲۳۶/۸۰
۱۲	هرات	۸۶۸۷	۲۷۲۳۱/۳۳	ـ ۱۸۵۴۴/۳۳	۱۴۰۷۲/۴۸	ـ ۵۳۸۵/۴۸
۱۳	مروست	۶۹۳۴	۲۵۱۳۶/۶۲	ـ ۱۸۲۰۲/۶۲	۱۲۹۸۹/۹۸	ـ ۶۰۵۵/۹۸
۱۴	مهردشت	۶۶۷۰	۲۳۳۴۱/۱۴	ـ ۱۶۶۷۱/۱۴	۱۲۰۶۲/۱۳	ـ ۵۳۹۲/۱۳
۱۵	بهاباد	۴۸۲۶	۲۱۷۸۵/۰۷	ـ ۱۶۹۵۹/۰۷	۱۱۲۵۷/۹۹	ـ ۶۴۳۱/۹۹
۱۶	نیر	۱۹۶۰	۲۰۴۲۳/۵	ـ ۱۸۴۶۳/۵	۱۰۵۵۴/۳۶	ـ ۸۵۹۴/۳۶
	جمع	۵۷۰۹۰۳	۱۱۰۴۷۴۱/۱۰	ـ ۵۳۳۸۳۸/۱۰	۵۷۰۹۰۳	

مأخذ. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان یزد، سال ۱۳۵۷ و محاسبات نگارندگان

بررسی شبکه شهری استان یزد براساس مرتبه ـ اندازه z و مدل تعدیل‌یافته در سال ۱۳۸۵

ـ از کل ۵۲۰۳۸۹ جمعیت اســتان در این سال، تعداد ۳۰۸۹۸۷ نفر در مناطق شهری سکونت داشته‌اند که این تعداد ۰۸ درصد جمعیت استان را بـه خـود اختصـاص مـی‌دهـد. شـهر یـزد بـا ۴۹۱۲۳۴ نفر جمعیت در مرتبه اول نظام سلسله‌مراتـب شـهری استان قرار گرفته است و به‌تنهایی ۳۴ درصد جمعیـت اسـتان و ۵۴/۷۲ درصد جمعیـت شهرنشـین اسـتان را در خـود متمرکـز نموده است. شهر میبد به‌عنوان دومین شهر استان بـا جمعیتـی معادل ۲۷۸۸۵ نفر جمعیت، ۷/۵۴ درصد جمعیت شهری اسـتان را در برگرفتـه و اخـتلاف سـهم جمعیتـی میبـد و یـزد از کـل جمعیت شهرنشین استان به ۷۴/۷۳ درصد می‌رسد، که اختلاف فاحشی است.

ـ شاخص نخست شهری در این سال ۷/۴۳ بـوده، بـه عبـارتی یزد به‌عنوان اولین شـهر در نظـام شـهری اسـتان ۷/۴۳ برابـر دومین شهر استان (میبد) جمعیت داشته است. (بر روی نمـودار شاخص نخست شهری این اختلاف با شـیب بسـیار تنـد قابـل مشـاهده اسـت.) بـه‌طـوری کـه توزیـع جمعیـت در سـطح سکونتگاه‌های شهری استان با عدم تعـادل و ناهنجـاری‌هـایی روبه‌رو است.

ـ شاخص تمرکز سه شهری معادل ۳/۱۰ است و جمعیت شهر یـزد ۳/۱۰ برابر مجموع جمعیت شهرهای دوم تا شهر چهارم است.

ـ شاخص تمرکز چهار شهری معادل ۲/۷۴ است و جمعیت شهر یزد ۲/۷۴ برابر مجموع شهرهای دوم تا شهر پنجم است.

ـ طبق جدول، با توجه به محاسبات صـورت گرفتـه شـهرهای استان به جزء شهر یزد با کمبود جمعیت مواجه می‌باشند، به‌طور کلـی بـا تفاضـل جمعیـت واقعـی و مـدل مرتبـه ـ انـدازه z، ۵۳۱۴۲۸/۹۳ نفر کمبود جمعیت داریم.

جدول ٦. محاسبه جمعیت در مدل مرتبه ـ اندازه زیپف و تعدیل‌یافته شهرهای استان یزد در سال ۱۳۸۵

مرتبه	شهر	جمعیت واقعی	جمعیت مدل مرتبه ـ اندازه z	تفاضل جمعیت واقعی و مدل مرتبه ـ اندازه z	مدل تعدیل‌یافته	تفاضل جمعیت واقعی و مدل تعدیل‌یافته
۱	یزد	۴۳۲۱۹۴	۴۳۲۱۹۴	۰	۲۱۱۵۰۰/۰۹	۲۲۰۶۹۳/۹۱
۲	میبد	۵۸۸۷۲	۲۱۶۰۹۷	ـ ۵۲۲۷۵۱	۱۰۵۷۵۰/۰۵	ـ ۸۷۸۶۴/۵۰
۳	اردکان	۵۲۸۸۱	۱۴۴۰۶۴/۶۷	ـ ۳۸۱۱۹/۷۶	۷۰۵۰۰/۰۳	۹۱۶۷۱/۳۰
۴	بافق	۳۱۰۴۶	۸۶۴۳۸/۸	ـ ۲۹۳۵۵/۸	۴۲۳۰۰/۰۲	ـ ۴۵۲۱۱/۲۰
۵	حمیدیا	۲۷۶۱۵	۷۲۰۳۲/۳۳	ـ ۷۱۴۴۴/۳۳	۳۵۲۵۰/۰۲	ـ ۵۳۶۷/۲۰
۶	مهریز	۲۷۱۱۲	۶۱۷۴۲	ـ ۰۳۶۴۳	۳۰۲۱۴/۳۰	ـ ۲۰۱۳/۰۳
۷	ابرکوه	۲۱۸۱۸	۵۴۰۲۴/۲۵	ـ ۶۰۲۲۳/۵۲	۲۶۴۳۷/۵۱	ـ ۹۱۶۴/۱۵
۸	تفت	۱۶۴۵۴	۴۸۰۲۱/۵۶	ـ ۷۶۵۱۳/۶۵	۲۳۵۰۰/۰۱	ـ ۶۴۰۷/۱۰
۹	شاهدیه	۱۴۳۷۴	۴۳۲۱۹/۴	ـ ۵۴۸۸۲/۴	۲۱۱۵۰/۰۱	ـ ۶۷۷۶/۱۰
۱۰	اشکذر	۱۳۹۵۷	۳۹۲۹۰/۳۶	−۳۳۳۵۲/۶۳	۱۹۲۲۷/۲۸	ـ ۷۲۵۰/۸۲
۱۱	هرات	۱۰۹۱۳	۳۶۰۱۶/۱۷	ـ ۳۰۱۵۲/۷۱	۱۷۶۲۵/۰۱	ـ ۲۱۷۶/۱۰
۱۲	زارچ	۹۹۴۸	۳۳۲۴۵/۶۹	ـ ۱۶۲۳۲/۹۶	۱۶۲۶۹/۲۴	ـ ۵۸۲۶/۴۲
۱۳	مروست	۷۶۰۹	۳۰۸۷۱	ـ ۲۶۲۳۲	۱۵۱۰۷/۱۵	ـ ۸۹۴۷/۵۱
۱۴	بهاباد	۷۳۷۸	۲۸۸۱۲/۹۳	ـ ۵۲۴۱۲/۳۹	۱۴۱۰۰/۰۱	ـ ۳۱۷۶/۱۰
۱۵	مهردشت	۷۲۰۷	۲۷۰۱۲/۱۳	ـ ۵۰۸۹۱/۳۱	۱۳۲۱۸/۷۶	ـ ۱۱۰۶/۶۷
۱۶	احمدآباد	۴۷۵۸	۲۵۴۲۳/۱۸	ـ ۵۶۶۰۲/۸۱	۱۲۴۴۱/۱۸	ـ ۳۸۶۷/۸۱
۱۷	ندوشن	۲۳۸۱	۲۱۶۰۹/۷	ـ ۸۲۲۹۱/۷	۱۰۵۷۵/۰۰	ـ ۴۹۱۸/۰۰
۱۸	نیر	۱۶۵۷	۲۰۵۸۰/۶۷	ـ ۳۲۹۸۱/۷۶	۱۰۰۷۱/۴۳	ـ ۴۱۴۸/۳۴
۱۹	عقدا	۱۶۰۹	۱۹۶۴۵/۱۸	ـ ۶۳۰۸۱/۸۱	۹۶۱۳/۶۴	ـ ۴۰۰۸/۴۶
۲۰	خضرآباد	۲۸۳	۱۸۷۹۱/۰۴	ـ ۸۰۵۸۱/۴۰	۹۱۹۵/۶۶	ـ ۲۱۹۸/۶۶
	جمع	۷۸۹۸۰۳	۱۶۱۳۹۳۸/۳۹	۵۳۱۴۲۸/۹۳	۷۸۹۸۰۳	

منبع. سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان یزد، سال ۱۳۸۵

نمودار ۵. مرتبه ـ اندازه زیپف شهرهای استان یزد در سال ۱۳۸۵

نمودار ٦. مرتبه ـ اندازه تعدیل شده شهرهای استان یزد در سال ۱۳۸۵

بررسی شبکه شهری استان یزد براساس مرتبه ـ اندازه z و مدل تعدیل‌یافته در سال ۱۳۹۵

ـ از کل جمعیت استان در این سال، تعداد ۳۸۵۹۸۸ نفر در مناطق شهری سکونت داشته‌اند. به عبارت دیگر ۲۸/۸ درصد افراد در سال ۹۵ شهرنشین بودند.

ـ شهر یزد با ۲۵۱۶۸۴ نفر جمعیت در مرتبه اول نظام سلسله‌مراتب شهری استان قرار گرفته است و ۴۵/۴۵ درصد جمعیت شهرنشین استان را در خود متمرکز نموده است.

ـ شهر میبد به‌عنوان دومین شهر استان با جمعیتی معادل ۷۰۹۶۶ نفر جمعیت، ۷/۲۵ درصد جمعیت شهری استان را در برگرفته و اختلاف سهم جمعیتی میبد و یزد از کل جمعیت شهرنشین استان به ۴۷/۰۲ درصد می‌رسد که اختلاف زیادی می‌باشد.

ـ شاخص نخست شهری در این سال معادل ۷/۷۲ بوده، به عبارتی یزد به‌عنوان اولین شهر در نظام شهری استان ۷/۷۲ برابر دومین شهر استان (میبد) جمعیت داشته است. این رقم نماینگر وجود الگوی نخست شهری در نظام سلسله‌مراتبی شهر استان و عدم تبعیت نظام مذکور از قانون مرتبه ـ اندازه می‌باشد. به‌طوری که توزیع جمعیت در سطح سکونتگاه‌های شهری استان با عدم تعادل و ناهنجاری‌هایی روبه‌رو می‌باشد. شهر اول با شهر دوم فاصلهٔ زیادی دارد، که بر روی نمودار به صورت خط عمودی با شیب بسیار تند قابل مشاهده است.

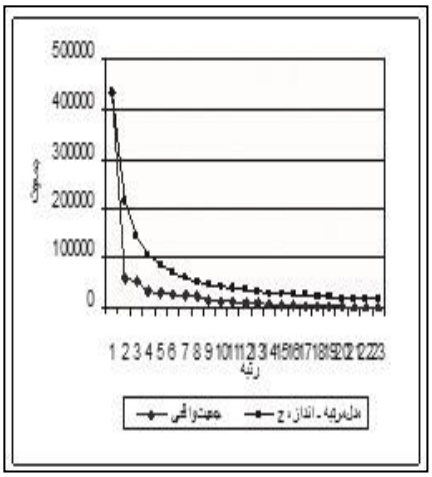

ـ شاخص تمرکز سه شهری معادل ۳/۲۰ است و جمعیت شهر یزد ۳ برابر مجموع جمعیت شهرهای دوم، سوم، چهارم است.

ـ طبق جدول، با توجه به محاسبات صورت گرفته شهرهای استان به جزء شهر یزد با کمبود جمعیت مواجه می‌باشند.

ـ براساس مدل تعدیل‌یافته، آمار و ارقام جدول نشان می‌دهد که شهر یزد با مازاد جمعیت (معادل ۹۳۳۵۳۲/۲۴ نفر جمعیت) روبه‌رو است و شهرهای دیگر با کمبود جمعیت مواجه می‌باشند. بنابراین توزیع جمعیت بین شهرهای استان نامتعادل می‌باشد. در نمودار مرتبه ـ اندازه تعدیل‌یافته، بین شهر اول با شهر دوم فاصله زیادی وجود ندارد. به‌طوری که، شیب کمی نسبت به

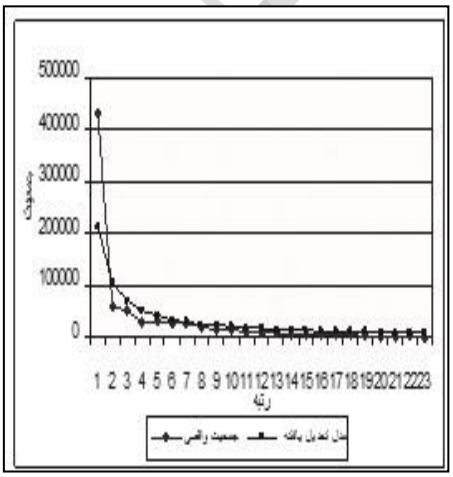

نمودار مرتبه ـ اندازه وجود دارد (به عبارتی هماهنگی وجود دارد).

جدول ۷. محاسبه جمعیت در مدل مرتبه ـ اندازه زیپف و تعدیل‌یافته شهرهای استان یزد در سال ۱۳۹۵

رتبه	شهر	جمعیت واقعی	جمعیت مدل مرتبه ـ اندازه z	تفاضل جمعیت واقعی و مدل مرتبه ـ اندازه z	مدل تعدیل‌یافته	تفاضل جمعیت واقعی و مدل تعدیل‌یافته
۱	یزد	۵۲۹۶۷۳	۵۲۹۶۷۳	۰	۲۶۸۰۵۹	۲۶۱۶۱۴
۲	میبد	۸۰۷۱۲	۴۰۳۵۶	۴۰۳۵۶	۱۳۴۰۳۰	ـ ۵۳۳۱۸
۳	اردکان	۷۵۲۷۱	۲۵۰۹۰	۵۰۱۸۰/۶۷	۸۹۳۵۳	ـ ۱۴۰۸۲
۴	حمیدیا	۵۱۷۹۳	۱۲۹۴۸	۳۸۸۴۴/۷۵	۶۷۰۱۵	ـ ۱۵۲۲۲
۵	بافق	۴۵۴۵۳	۹۰۹۱	۳۶۳۶۲/۴	۵۳۶۱۲	ـ ۸۱۵۹
۶	مهریز	۳۴۲۳۷	۵۷۰۶	۲۸۵۳۰/۸۳	۴۴۶۷۷	ـ ۱۰۴۴۰
۷	ابرکوه	۲۷۵۲۴	۳۹۳۲	۲۳۵۹۲	۳۸۲۹۴	ـ ۱۰۷۷۰
۸	اشکذر	۱۹۱۲۳	۲۳۹۰	۱۶۷۳۳/۶۳	۳۳۵۰۷	ـ ۱۴۳۸۴
۹	تفت	۱۸۴۶۴	۲۰۵۲	۱۶۴۱۲/۴۴	۲۹۷۸۴	ـ ۱۱۳۲۰
۱۰	شاهدیه	۱۸۳۰۹	۱۸۳۱	۱۶۴۷۸/۱	۲۶۸۰۶	ـ ۸۴۹۷
۱۱	هرات	۱۳۰۲۳	۱۱۸۴	۱۱۸۳۹/۰۹	۲۴۳۶۹	ـ ۱۱۳۴۶
۱۲	زارچ	۱۱۶۹۱	۹۷۴	۱۰۷۱۶/۷۵	۲۲۳۳۸	ـ ۱۰۶۴۷
۱۳	مروست	۹۳۷۹	۷۲۱	۸۶۵۷/۵۳۸	۲۰۶۲۰	ـ ۱۱۲۴۱
۱۴	مهردشت	۸۰۹۷	۶۵۹	۸۵۷۲/۵۷۱	۱۹۱۴۷	ـ ۹۹۱۵
۱۵	بهاباد	۹۲۳۲	۵۴۰	۷۵۵۷/۲	۱۷۸۷۱	ـ ۹۷۷۴
۱۶	احمدآباد	۶۰۴۶	۳۷۸	۵۶۶۸/۱۲۵	۱۶۷۵۴	ـ ۱۰۷۰۸
۱۷	ندوشن	۲۳۵۱	۱۳۸	۲۲۱۲/۷۰۶	۱۵۷۶۸	ـ ۱۳۴۱۷
۱۸	عقدا	۱۷۵۴	۹۷	۱۶۵۶/۵۵۶	۱۴۸۹۲	ـ ۱۳۱۳۸
۱۹	نیر	۱۷۴۰	۹۲	۱۶۴۸/۴۲۱	۱۴۱۰۸	ـ ۱۲۳۶۸
۲۰	خضرآباد	۵۳۵	۲۷	۵۰۸/۲۵	۱۳۴۰۳	ـ ۱۲۸۶۸

منبع. سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان یزد، سال ۱۳۹۵ و محاسبات نگارنده

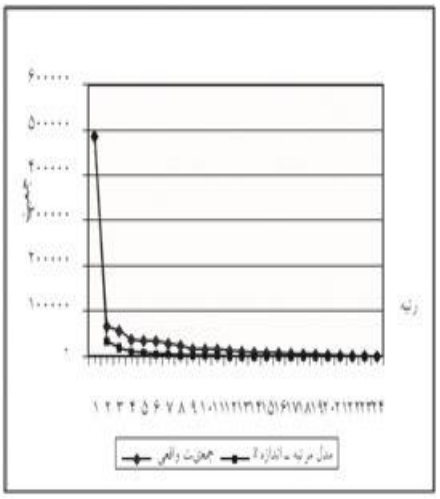

نمودار ۷. مرتبه ـ اندازه زیپف شهرهای استان یزد در سال ۱۳۹۵

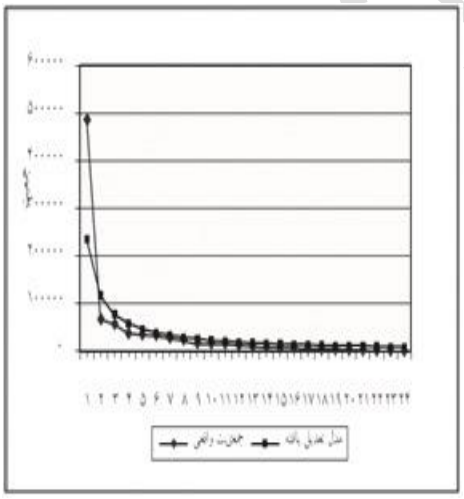

نمودار ۸. مرتبه ـ اندازه تعدیل شده شهرهای استان یزد در سال ۱۳۹۵

کارکرد اقتصادی شهرهای کوچک در نظام شهری استان

تعداد شاغلین در بخش‌های مختلف اقتصادی، متغیری است که تأثیرات کارکردهای اقتصادی را در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی بیان می‌کند. در این بررسی، برای شناسایی و ارزیابی میزان توانایی و قابلیت اقتصادی شهرهای کوچک استان یزد در سطح منطقه‌ای از روش‌های ضریب مکانی (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۵۱) و مدل تغییر سهم (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۸۴ ـ ۱۸۶) و رابطه رگرسیون جمعیت و نیروی انسانی شاغل در بخش‌های

کشاورزی، صنعت و خدمات استفاده شده است. بنا به بررسی‌های صورت گرفته، ضریب مکانی شهرهای کوچک استان درزمینهٔ فعالیت‌های مختلف افت‌وخیزهایی داشته که متأثر از عوامل گوناگون بوده است. درزمینهٔ فعالیت‌های کشاورزی، جز مهریز و بافق بقیه شهرها کاهش چشمگیری در این بخش داشته‌اند اگرچه فقط در مهریز و میبد جزو فعالیت‌های پایه‌ای بوده‌اند. بخش صنعت در اکثر شهرهای کوچک استان روند روبه رشدی داشته است و در اکثر شهرها جز فعالیت‌های پایه‌ای نیز هست. پایه‌ای بودن بخش صنعت می‌تواند بـه توسعه و گسترش شهرهای کوچک کمک فراوانی نماید. به‌کارگیری سیاست‌های تمرکززدایی از سوی دولت و تشویق سرمایه‌گذاری صنعتی در شهرهای کوچک، موجب ایجاد تعادل در سازمان فضایی سکونتگاه‌های شهری استان خواهد شد.

جدول ۸. محاسبات تغییرات ضریب مکانی یا اقتصاد پایه در شهرهای کوچک استان یزد ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

کانون‌های شهری	۱۳۸۵			۱۳۹۵		
	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات
اردکان	۰/۸۸	۱/۴۴	۰/۶۵	۰/۷۱	۱/۶	۰/۹
بافق	۰/۸۴	۰/۹۶	۱/۰۸	۰/۸۲	۱/۱	۱/۲
مهریز	۱/۶۴	۱/۰۱	۰/۹۹	۱/۷	۱	۱/۲
میبد	۱/۶	۰/۸۶	۱/۱۹	۱/۲	۱/۲	۱/۴
یزد	۰/۴	۰/۹۴	۱/۲۶	۰/۴	۱/۳	۱/۶

در تحلیل روند ساختار اقتصادی شهرهای کوچک استان نسبت به نقاط شهری آن طی مهر و موم‌های ۹۵-۸۵، اقتصاد شهری استان ضریب مثبـت ۰/۶۳ و در نتیجـه رونـد صـعودی داشـته است. بخش کشاورزی در سـطح استان رونـد نزولـی داشـته و ضریب منفی ۰/۴۱- را دارا بوده است. بخش صنعت در اسـتان و شهر اردکان دارای صعود بوده و در دیگر شهرها روند نزولـی داشته است. بخش خدمات در شـهرهای یـزد، بـافق و اردکـان دارای روند نزولی و در دیگر شهرها دارای روند صـعودی بـوده است (جـدول ۴- ۱۲). نابرابری و فقدان تعادل در توزیع بهینـه امکانات و همچنین تمرکـز امکانـات و خـدمات در تـک شـهر مسلط استان (شهر یزد) و مرکزیت اداری ـ سیاسی شـهر یـزد، نقش شهرهای کوچک را در نظام شـهری و توسـعه منطقـه‌ای استان کم رنگ نموده است. توزیع مناسب جغرافیایی شـهرهای کوچک استان، ازجمله اردکان و میبد، در شمال اسـتان، بـافق در غـرب استان و مهریز در جنوب اسـتان فرصـت مناسـبی را برای ایجاد تعادل منطقـه‌ای در سـطح اسـتان فـراهم آورده اسـت. بنـابراین، آنچـه مسـئولان اسـتانی در برنامـه‌هـا و سیاست‌های منطقه‌ای باید به کار گیرند، تقویت ایـن شـهرها و تزریق سرمایه به آن ها برای کاهش مهـاجرت بـه شـهر یـزد است که می‌تواند نقـش ایـن شـهرها را در توسـعه منطقـه‌ای مضاعف نماید.

جدول ۹. محاسبه و تحلیل تغییرات سهمی بخشی شهرهای کوچک استان یزد در ساختار اقتصادی استان

گروه‌های عمده فعالیت	تغییرات اشتغال در اقتصاد استان	تغییرات اشتغال در بخش در اقتصاد استان	موقعیت اقتصادی هر بخش شهر در اقتصاد استان				
			اردکان	بافق	مهریز	میبد	یزد
کشاورزی	۰/۶۳	۰/۴۱-	۰/۵۱-	۱/۰۱-	۰/۸۴-	۰/۴۴-	۰/۰۶-
صنعت	۰/۶۳	۰/۴۱۴	۰/۶۴	۰/۷-	۰/۰۹-	۰/۸۱-	۰/۲۹-
خدمات	۰/۶۳	۰/۰۴۵-	۰/۲۴-	۰/۲۳-	۰/۰۸	۰/۲۱	۰/۱۸

با بهره‌گیری از نرم‌افزار راینه‌ای SPSS و استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۰) و ترسیم خطی معادله رگرسیون بین بخش صنعت، کشاورزی و خدمات و جمعیت در سال ۱۳۹۵ مشخص شد که در همه شهرهای کوچک استان، بخش صنعت روی خـط رگرسـیون و بخش کشاورزی زیرخط رگرسیون و بخش خدمات بالای خط رگرسیون قرار دارد. این رابطه اهمیت بخش خدمات را در شهرهای کوچک استان نشان می‌دهد. در بررسی رابطه اشتغال و جمعیت در شهرهای کوچک استان که در جدول شماره ۱۰ نتایج آن آورده شده، روشن است که بین بخش کشـاورزی و جمعیت هیچ‌گونه رابطـه معنـاداری وجـود نـدارد ، ولی بین بخش صنعت و خـدمات و جمعیـت رابطـه معناداری وجود

دارد؛ به‌طوری که بـا افـزایش ۱۰۰۰ نفر در بخش صنعت و ۸۳۳ نفر در بخش خدمات به فعالیت جمعیت شاغل در این شهرها، حدود ۱۶۷ نفـر است.

جدول ۱۰. نتایج رابطه رگرسیون اندازه شهر و اشتغال در شهرهای کوچک استان یزد

Model	Unstandavizd coefficient		Standarlize d coefficient Beta	T	Sig
	B	Sta.Error			
Constant	۱۳۵۲/۵٦	۱٥٤۱/٦۰۹	–	۰/۸٦٥	۰/۳۹٤
کشاورزی	۰/۰٦۷	۲/۷٤۱	۰	۰/۰۲٤	۰/۹٥٤
صنعت	۱/٦٥٤	۰/٤۳۳	۰/۱٦۷	٤/۹۰۱	۰/۰۰٤
خدمات	۷/٤۳۷	۰/۳۰۱	۰/۸۲۷	۲۳/۸٤۱	۰/۰۰

همان‌طوری که بیان شده، هدف این پژوهش بررسی جایگاه و کارکرد شهرهای کوچک استان یزد در سازمان یکی فضایی و توسعه منطقه‌ای است. بنابر محاسبات انجام شده و با بررسی جداول، وضعیت و شرایط جمعیتی مشخص شد که هیچ شهر میانی در پهنه فضایی استان یزد وجود ندارد و تعداد شهرهای کوچک جمعیت ۱۰۰ ـ ۲۵ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ حدود چهار شهر (اردکان، میبد، مهریز، بافق) بوده است. برابر داده‌های آماری این شهرها حدود ۲۶ درصد از جمعیت شهری استان را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که شهر یزد به‌تنهایی حدود ۵۴ درصد از جمعیت شهری استان را در خود جای داده است. در این میان شهر میبد به علت موقعیت مناسب جغرافیایی و ارتباطی بیشترین ضریب کشش‌پذیری و جذب جمعیت را دارا بوده است. نتایج حاصل از محاسبات ضریب آنتروپی نشان می‌دهد که اگر کارکردهای جمعیتی شهرهای کوچک نادیده گرفته شود، استان یزد در هر سه دوره زمانی ۸۵ و ۹۵ از تعادل و توازن جمعیت در کانون‌های شهری دور می‌شود که نتایج حاصل از مدل توزیع لگاریتمی رتبه ـ اندازه شهری همین موضوع را تأیید می‌کند؛ به‌طوری که شیب‌خط رتبه اندازه در سال ۱۳۸۵ از ۱/۶۵۲ ـ با احتساب شهرهای کوچک به ۱/۷۴۵ ـ با بدون احتساب شهرهای کوچک افزایش می‌یابد. به لحاظ کارکرد اقتصادی، نقش غالب اکثر شهرهای کوچک صنعت و خدمات بوده است. تحلیل روند ساختار اقتصادی شهرهای کوچک استان بیانگر آن است که بخش کشاورزی هم در سطح استان و هم در دیگر شهرهای کوچک دارای روند نزولی بوده است. بخش صنعت در استان و شهر اردکان دارای روند صعودی و در دیگر شهرها روند نزولی داشته است. بخش خدمات در شهرهای یزد، بافق و اردکان دارای نزول و در دیگر شهرها صعود داشته است. شهرهای کوچک در نظام شهری استان به لحاظ جمعیتی و کارکردی تأثیرات مثبتی داشته است و آنچه کارکرد این شهرها را تا حدودی کم‌رنگ نموده است تمرکز امکانات و خدمات و صنایع و کارخانجات در تک شهر مسلط استان (شهر یزد) بوده است. رشد بی‌رویه شهر یزد که نتیجه عملکرد و سیاست‌گذاری دولتمردان در طول سالیان گذشته است، موجب گسیختگی سازمان فضایی و پیوند عملکردی بین کانون‌های شهرهای استان شده است؛ به‌طوری که فاصله زیاد شهر یزد با دومین شهر موجب شده است هیچ شهری به جمعیت بالای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت نرسد. وجود این خلأ سلسله‌مراتب سکونتگاهی از مهم‌ترین عوامل ایجاد عدم تعادل و توازن در نظام شهری استان است. غلبه بر این نابرابری و مشکلات و رسیدن به توسعه متعادل منطقه‌ای، جز با اعمال یک نگرش سیستمی و فضایی در طراحی و تدوین برنامه‌های توسعه قابل‌حل نیست. برنامه‌ریزی بر اساس این نگرش باید به‌گونه‌ای باشد که توسعه را در کل فضای جغرافیایی استان پخش کند و ناهمگونی فضایی و عدم تعادل در سلسله‌مراتب شهری را از بین ببرد.

برای اصلاح این ساختار فضایی، علاوه‌بر تمرکززدایی از شهر یزد، تزریق امکانات و سرمایه به سوی شهرهای کوچک و هدایت آن‌ها به طرف شهرهای میانی بهترین گزینه است؛ زیرا قرارگیری شهرهای کوچک در موقعیت مناسب جغرافیایی این فرصت را فراهم آورده است که با تقویت هریک از این شهرهای کوچک می‌توان خلأ سلسله‌مراتب سکونتگاهی را در نظام شهری استان پر نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

تمرکززدایی از شهر به معنای انتقال یا توزیع بخشی از فعالیت‌ها، جمعیت و منابع از شهر به مناطق دیگر است. هدف اصلی تمرکززدایی از شهر، تعادل و توسعه بیشتر مناطق روستایی و حومه شهری است. در مورد استان یزد نیز، تمرکززدایی از شهر یزد می‌تواند نقش مهمی در توسعه متعادل

منطقه‌ای داشته باشد. شهر یزد به‌عنوان مرکز استان یزد، ممکن است برخی از فعالیت‌ها و منابع را به خود جذب کرده و سایر مناطق را از این فرصت‌ها محروم نماید. این موضوع می‌تواند منجر به عدم توازن و عدم توسعه منطقه‌ای در استان یزد شود. بنابراین، با انتقال بخشی از فعالیت‌ها، جمعیت و منابع به مناطق دیگر، می‌توان توسعه متعادل‌تری در سراسر استان یزد را تحقق بخشید. هدف از این تحقیق نقش تمرکززدایی از شهر یزد در توسعه متعادل منطقه‌ای استان یزد می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که:

ـ شهر یزد به‌عنوان شهر مرتبه اول استان، توسعه شهری استان را تشکیل داده و با رشد و پیشرفت تدریجی خود و با توجه به امکانات و تسهیلات جمعیت مهاجر روستایی و همچنین شهرهای توسعه‌نیافته استان را در خود متمرکز نموده و در مجموع به ضرر سایر شهرهای شبکه عمل می‌نماید.

ـ درصد جمعیت شهرنشین استان در طی دوره‌های زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ به ترتیب به ۶۶، ۷۶، ۸۴ و ۸۲/۶ درصد افزایش یافته است. بدین ترتیب افزایش جمعیت شهری استان در مقابل کاهش جمعیت روستایی استان است. بر این اساس لزوم تدابیر مختلف برای جلوگیری از کاهش جمعیت روستا و پدیدهٔ مهاجرت ضرورت دارد.

ـ شهر یزد با درصدی برابر با ۵/۵۴ درصد از جمعیت شهری استان، در سطح توسعه بسیار برتر قرار دارد. این رتبه بالا به علت وجود مشکلاتی ناشی از پرجمعیتی که بیشترین شهرهای بزرگ در بخش‌هایی از آن دارند، در برخی از بخش‌ها ایجاد نشده است. با این حال، به‌طور کلی، شهر یزد به دلیل مرکزیت در استان، وجود زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اداری، فرهنگی و جاذبه‌های طبیعی و انسانی و تمرکز نهادها و سازمان‌ها، در رده‌ای متقدم قرار دارد.

ـ شهرهای میبد، تفت و اردکان نیز با درصدی برابر با ۹/۱۷ درصد از جمعیت شهری استان، در سطح توسعه برتر قرار دارند. افزایش ۶/۲۰ درصدی جمعیت شهر میبد در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰، منجر به افزایش نرخ رشد جمعیت، نرخ باسوادی، تعداد محصلان، تعداد شاغلین، تعداد واحدهای خدماتی و تولیدی، تعداد پزشکان و در کل افزایش در اکثر شاخص‌های مورد مطالعه شده است. این عوامل باعث قرارگیری این شهر در رتبه دوم شهرهای استان شده‌اند.

ـ شهرهای مهریز، ابرکوه، حمیدیا، بافق، شاهدیه و بفروئیه با درصدی برابر با ۹۱/۱۸ درصد از جمعیت شهری استان، در سطح توسعه متوسط قرار دارند.

ـ گروه چهارم توسعه یا سطح محروم شامل شهرهای هرات، اشکذر، زارچ، مروست و بهاباد است. این شهرها با درصدی برابر با ۸/۸ درصد از جمعیت شهری استان، در سطح توسعه محروم قرار دارند.

راهکارها

با توجه به ضرورت‌های مورد بحث و اهمیت تعادل‌های ناحیه‌ای در پاسخ به مشکلات چند پیشنهاد کلی برای بهبود و کاهش نابرابری‌های ناحیه ارائه می‌شود:

۱ ـ شناخت توانمندی‌های نواحی با مشارکت مسئولان محلی و ناحیه‌ای و مردمی تا اینکه برنامه‌ریزی مطابق با توان‌ها و پتانسیل‌های شناخته شده صورت گیرد.

۲ ـ به‌کارگیری سیاست‌های اشتغال‌زایی در نواحی محروم از سوی سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط از طریق ایجاد شغل‌های تولیدی مطابق با توانمندی‌های نواحی و نیازهای جمعیتی.

۳ ـ تقویت و گسترش محورهای توسعه در نواحی محروم و روستاهای دورافتاده و پراکنده به‌طوری که این نواحی نیز بتواند از امکانات رفاهی و خدماتی بهتر بهره‌مند گردند.

۴ ـ تزریق سرمایه به نواحی محروم از طریق ایجاد و گسترش کارخانجات سبک و کارگاه‌های صنعتی و نیمه‌صنعتی مطابق با توانمندی‌های طبیعی و انسانی.

۵ ـ گسترش و توسعه صنعت توریسم در نواحی که قابلیت‌های تفریحی و توریستی دارند می‌توانند در رشد و توسعه نواحی به لحاظ درآمدزایی و ایجاد اشتغال مفید باشد.

۶ ـ ارائه مکانیسم فرصت برابر برای تمامی نواحی مطابق با توان‌های محیطی و نیازهای انسانی.

۷ ـ ایجاد و گسترش مراکز دانشگاهی و آموزش عالی در تمامی مراکز که نقش مرکزیت برای نواحی را دارند.

۸ ـ جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها از طریق ارائه امکانات رفاهی و خدماتی و بهبود ارتباط آن‌ها.

۹ ـ تقویت رشد و گسترش شهرهای کوچک از طریق راهبردهای ارائه شده، زیرا گسترش این شهرها می‌توانند در رشد و توسعه منطقه‌ای مؤثر واقع شود.

۱۰ ـ مکان‌یابی مجدد در مراکز توسعه روستایی، زیرا که انتخاب درست مراکز توسعه روستایی می‌تواند از یک طرف جلوی مهاجرت‌های روستا ـ شهری را بگیرد و از طرف دیگر در توسعه ناحیه‌ای و منطقه‌ای نقش بسزایی داشته باشد.

۱۱ ـ تجمع و تمرکز جمعیت و فعالیت‌های مهم اقتصادی در چند قطب به‌ویژه شهرهای کوچک.

۱۲ ـ سامان‌دهی شبکه متوازن شهری و طراحی نظام سلسله‌مراتب شهری و همگونی در پراکنش.

جمعیت شهری، به‌ویژه ایجاد توازن در شهرهای سطح دوم استان

۱۳ ـ تقویت شهرهای متوسط و کوچک به‌منظور ارتقای نقش و افزایش تأثیر آن‌ها در منطقه پیرامون.

۱۴ ـ پر کردن خلأ سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها از بالا به پایین و توزیع راهبردی سرمایه‌گذاری‌ها از طرف دولت.

۱۵ ـ تقویت شهرهای کوچک و ایجاد روستا ـ شهرهای جدید در نقاط مستعد نواحی شمالی، میانه غربی به‌منظور افزایش توان نگهداشت جمعیت در این مناطق تقویت شهرهای کوچک و ایجاد روستا – شهرهای جدید در نقاط مستعد نواحی شمالی، میانه غربی به‌منظور افزایش توان نگهداشت جمعیت در این مناطق.

۱۷ ـ تقویت شهر یزد تا حد مرکز خدمات‌رسانی سطح یک ملی با عملکرد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تقویت شهرهای بافق، میبد، اردکان و طبس با عملکرد منطقه‌ای و تقویت مراکز سایر شهرستان‌ها با عملکرد ناحیه‌ای.

۱۹– با توجه به ویژگی‌های فوق‌الذکر نوعی عدم تعادل در ساختار جمعیتی و پراکنش استقرار نقاط شهری استان مشاهده گردیده است لیکن با توجه به رویکرد مطلوب تأکید بر کاهش عدم تعادل‌های موجود در نظام سطح‌بندی سکونت‌گاه‌های شهری بیان شده است، ضمن حفظ سطح خدمات‌رسانی کانون شهر یزد در سطح استان با رویکرد جذب خدمات برتر، تقویت دیگر کانون‌های شهری استان با تأکید و توجه به ظرفیت‌های پیشرفت و توسعه آن مناطق اعم از اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی و ... مورد توجه قرار بگیرد.

References

Aliakbari, E., Taleshi, M., & Faraji Darabkhani, M. (2017). An Analysis of Role and Position of Small Cities in Regional Balance and Development (Case Study: West of Zagros Macro-Region). *Journal of Urban Economics and Management*, 5(17), 49-65. (In Persian)

Anisur. M, R. (2011). *developing a model for finding optimum location for urban facilities by using GIS*, Student ID# g200901630, Research Assistant, Department of City & Regional Planning KFUPM, KSA.

Arjamandania, A. (1991). *Population settlement system and the role of intermediate cities*. collection of articles of population and development seminar, program and budget organization.

Bastanifar, iman, sameti, majid. (2004). *an inquiry of Green Tax effect on decreasing of air pollution of Isfahan province GIAN international symposium & workshop*, Isfahan University.

David, Fred R. (2008). *Strategic Management*. Translated by Ali Parsayan and Seyed Mohammad Arabi. Tehran: Daftar Pazhooheshhaye Farhangi Publications of the Cultural Research Office, 13th edition. (In Persian)

Dufaux, Frederic. (2008), *Birth announcement*, justice spatial/spatial justice, www.jssj.org.

Duflo, E., Galiani, S., & Mobarak, M. (2012). Improving access to urban services for the poor: open issues and a framework for a future research agenda. *J-PAL Urban Services Review Paper. Cambridge, MA: Abdul Latif Jameel Poverty Action Lab. http://www. povertyactionlab. org/publication/improving-access-urban-services-poor, 3*.

Dupont, V. (2007). Do geographical agglomeration, growth and equity conflict?. *Papers in Regional Science*, *86*(2), 193-213. https://doi.org/10.1111/j.1435-5957.2007.00118.x

Ejlali, P. (1394). *Regional analysis and stratification of settlements*. Deputy of Majlis Regional Affairs, Regional Planning Office of Management and Planning Organization, Tehran.

Erkip, F. B. (1997). The distribution of urban public services: the case of parks and recreational services in Ankara. *Cities*, *14*(6), 353-361. https://doi.org/10.1016/S0264-2751(97)00026-7

Ghaffaryfard, M. (2019). Review the process of development policy and regional balance during development plans in Iran (SWOT approach). *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 9(30), 21-41. (In Persian)

Hadiyani, Z., & Rahimi, V. (2016). The Role of Middle Size Cities in Rural Point Development CASE Study: Iranshahr City. Journal of Geography and Regional Development, 13(2 (25), 27-31. (In Persian)

Harvey, D. (1997). *Social Justice and the City*, Translated Hesamyan Farrukh, Mohammad Hossein Haeri and B. Monadyzadeh, Publications Urban Planning and Processing Company, Dependent to Tehran Municipality. (In Persian)

Iran Data Portal (2016). (In Persian)

Irani Heris, S., Majidi, M., & Kheirolahi, H. (2020). A Study of the Role of Small Towns in Spatial Organization and Regional Development (Case study: Small Towns of East Azerbaijan Province*). Journal of Geographical Studies of Mountainous Areas (JGSMA)*, 1(1), 45-58. Doi: 10.29252/gsma.1.1.45

Johnston, R. J. (1980). *City And Society*. Penguin books.

Lopez, D. P. (2011). *Urban Distribution Centers a Means to Reducing Freight Vehicle Miles Traveled, New York State Energy Research and Development Authority*, Contract No. 11098 / C-08-23, PIN: R021.20.881.

Moayedfar, S. (2006). *Sustainable Development Planning in the Cities of Khashab Regions: Ardakan City.* Master's thesis in Geography and Urban Planning. (In Persian)

Mousavi, M.N., & bagheri kashkooli, A. (2012). Evaluation of Spatial Distribution Quality of Life in Different Quarters of the Sardasht city. Research and Urban Planning, 3(9), 97-118. (In Persian)

Panero, M. A., SHin, H. S., & Lopez, D. P. (2011). Urban distribution centers: a means to reducing freight vehicle miles traveled.

Paul, S. (2012). Analysis of micro level disparities in urban facility-utility services: a study on Barasat city, West Bengal, India. *Journal of Urban and Regional Analysis*, 4(2), 173-187. DOI:10.37043/JURA.2012.4.2.4

Rashidi Ebrahimhesari, A., Behmand, D., Sobhani, N., & Heidari, T. (2014), The Role of Small-Sized Cities in the Regional Equilibrium of East Azerbaijan Province. Journal of Urban Economics and Management (IUESA), 2(5), 139-158. (In Persian)

Shakuie, H. (2008). New trends in Philosophy of Geography. Tehran: Gitashenasi Publication. (In Persian)

Shareefe, A.N. (2006). *Social Justice and City: Analytic Inequalities of Neighborhood in Ahvaz City*. Thesis of the Doctoral Course in Geography and Urban Planning, University of Tehran. (In Persian)

Varesi, H.R., Zangiabadi, A, & Yaghfouri, H. (2008). A Comparative Study of Public Utilities Distribution from a Social Justice Perspective (A Case Study: Zahedan). Geography and Development, 6(11), 139-156. (In Persian)

Varesi, I., Gaed Rahmati, S., & Bastanifar, I. (2008). Investigating the effects of distribution of urban services in the spatial imbalance of the population, a case study; Areas of Isfahan city. *Geography and Development (GD)*, 5(9), 91-106. (In Persian)

Walker, B. (1981). *Welfare Economics and Urban Problems*, Hutchinson, London.

Zakerian, M., Mousavi, M.N., & Bagheri Kashkooli, A. (2009). *Analysis of spatial distribution of service distribution and population distribution (case study: Meybod city).* Islamic Azad University, Department of Surveying Engineering. (In Persian)

Zakerian, M., Mousavi, M.N., & Bagheri Kashkooli, A. (2010). An Analysis of the Distribution of Population and Facilities in Urban Areas of Meybod from the Viewpoint

of Sustainable Development. *Quarterly Journal of Urban Research and Planning*, 4(13), 41-73. (In Persian)

Zhang, M., Xiao, H.X. and Sun, D.Q. (2018). Spatial differences in and influences upon the sustainable development level of the Yangtze River Delta Urban agglomeration in China. *Sustainability*, 10 (2): 411. doi.org/10.3390/su10020411

اجلالی، پرویز (۱۳۷۱). *تحلیل منطقه‌ای و سطح‌بندی سکونتگاه‌ها*. معاونت امور مناطق مجلس، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.

ارجمندنیا، اصغر (۱۳۷۰). نظام اسکان جمعیت و نقش شهرهای میانی، *مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه، سازمان برنامه‌وبودجه*.

ایرانی هریس، صیاد؛ مجیدی، مهدی و خیرالهی، حیدر (۱۳۹۹). نقش شهرهای کوچک در سازمان فضایی و توسعه منطقه‌ای (مورد مطالعه: استان آذربایجان شرقی). *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، ۱(۱)، ۴۵-۵۸.

دیوید، فرد آر (۱۳۸۸). *مدیریت استراتژیک*. ترجمهٔ علی پارساییان و سید محمد اعرابی. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ سیزدهم.

ذاکریان، ملیحه و میرنجف موسوی و علی باقری کشکولی (۱۳۸۷). تحلیل توزیع فضایی توزیع خدمات و پراکنش جمعیت (مطالعه موردی: شهر میبد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، گروه مهندسی نقشه‌برداری.

ذاکریان، ملیحه و میرنجف موسوی و علی باقری کشکولی (۱۳۸۹). تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات شهری میبد از منظر توسعه پایدار. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱(۲)، ۴۱-۷۳.

رشیدی ابراهیم حصاری، اصغر؛ بهمند، داداله؛ سبحانی، نوبخت و حیدری، تقی (۱۳۹۲). نقش شهرهای کوچک اندام در تعادل ناحیه‌ای استان آذربایجان شرقی، *فصلنامهٔ اقتصاد و مدیریت شهری*، ۲(۵)، ۱۵۸-۱۳۹.

شریفی، عبدالنبی (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و شهر، تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز. *پایان‌نامه دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دانشگاه تهران.

شکوئی، حسین (۱۳۷۸). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. انتشارات گیتاشناسی، تهران.

علی‌اکبری، اسماعیل، طالشی، مصطفی و فرجی دارابخانی، محمد (۱۳۹۵). تحلیل نقش و جایگاه شهرهای کوچک در توازن و توسعه منطقه‌ای (مورد مطالعه: غرب کلان منطقه زاگرس)، اقتصاد و مدیریت شهری، سال ۵(۱)، ۹۴-۶۵.

غفاری فرد، محمد (۱۳۹۸). بررسی روند سیاست‌گذاری توسعه و توازن منطقه‌ای طی برنامه‌های توسعه در ایران و ارائه راهبردهای اساسی، *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۹(۳۰)، ۲۱-۴۱.

مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۹۵).

موسوی، میرنجف و علی باقری کشکولی (۱۳۹۱). ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در محلات شهر سردشت. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری مرودشت*، ۳(۹)، ۹۷-۱۱۸.

مؤیدفر، سعیده (۱۳۸۶). برنامه‌ریزی توسعه پایدار در شهرهای مناطق خشب: شهر اردکان. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.

وارثی، حمیدرضا و قائدرحمتی، صفر و ایمان باستانی‌فر، (۱۳۸۶). بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، مورد: مناطق شهر اصفهان. *جغرافیا و توسعه*، ۵(۹)، ۹۱-۱۰۶.

هایانی، زهره و رحیمی، وحید (۱۳۹۲)، نقش شهرهای میانی در توسعه منطقه‌ای، مطالعه موردی شهر ایرانشهر، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۳ (۳۰)، ۲۷-۴۷.